فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶، پیاپی ۲۲
صفحات ۴۶-۱۷

اهمیت بخش کشاورزی در حفظ تعادل اقتصادی -اجتماعی ساختار شهری و روستایی ایران*

فرشاد مؤمنی؛ استاد گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
سارا دشتبانی**؛ کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
علی‌اصغر بانوئی؛ استاد گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱/۱۹ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۷/۳۰

چکیده

جایگاه بخش کشاورزی به‌عنوان موتور محرک رشد و توسعه اقتصادی در ساختار شهری و روستایی از جمله موضوعاتی است که همواره مورد بحث و اظهارنظر کارشناسان بوده است. شواهد موجود نشان می‌دهد درحال‌حاضر، سه دیدگاه مختلف درباره‌ی کارکردهای بخش کشاورزی در اقتصاد ایران وجود دارد. تفکر نخست با رویکرد صرف اقتصادی بر مبنای نظریه "تغییرات ساختاری" و بر اساس یافته‌های نظام حسابداری بخشی معتقد است بخش کشاورزی تنها می‌تواند به‌عنوان بخش تأمین‌کننده امنیت غذایی موردتوجه باشد. درحالی‌که طرفداران دیدگاه دوم بر این عقیده‌اند که بخش کشاورزی در به حرکت درآوردن چرخ‌های اقتصادی کشور نقش اساسی را ایفا می‌نماید. نظر به ساحت چندبعدی فعالیت‌های بشری، ارتباط تنگاتنگ و تأثیرپذیری هریک از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این فعالیت‌ها از یکدیگر و با در نظر گرفتن تجارب موجود در این زمینه که نشان می‌دهد طی نزدیک به ربع قرن گذشته جهت‌گیری‌های تک ساحتی بالاترین سهم را در تحمیل انواع نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی و ایجاد فاجعه‌های زیست‌محیطی به کشور داشته است، دیدگاه سوم با تأکید بر ضرورت بررسی ابعاد گوناگون آثار و تبعات گسترش فعالیت‌های کشاورزی در مناطق شهری و روستایی، بر جایگاه بخش کشاورزی از منظر نقش برقرارکننده تعادل اقتصادی-اجتماعی تأکید دارد. با توجه به پشتوانه علمی نسبی هریک از دیدگاه‌های موجود و نظر به اینکه استدلال‌های مختلف ارائه شده در این باره دارای نوعی ابهام و گیج‌کنندگی است، رفع ابهام در این زمینه، مستلزم بررسی میزان انطباق دیدگاه‌های موجود با ساختار اقتصادی اجتماعی کشور است. پژوهش حاضر به بررسی وضعیت بخش کشاورزی با استفاده از الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی به‌عنوان جامع‌ترین نظام حسابداری میانه می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان از مطابقت بیشتر دیدگاه سوم با ساختار اقتصادی اجتماعی ایران دارد.

واژگان کلیدی: بخش کشاورزی، تعادل اقتصادی-اجتماعی، ساختارهای شهری و روستایی.

---

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی جایگاه بخش کشاورزی در اشتغال‌زایی و توزیع درآمد نهادی با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی" است.

** Sarah.dashtbani@ymail.com

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۱) مقدمه

نقش و جایگاه روستاها در فرآیندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه-ای ملی و بین المللی و پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت و حاشیه‌نشینی شهری موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری گردیده است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۹؛ نظم‌فر،۱۳۹۶: ۱۶۱). بخش کشاورزی نیز به‌عنوان کهن‌ترین فعالیت تولیدی با خاستگاهی روستایی، در روند رشد و توسعه کشورهای مختلف در ادوار زمانی متفاوت از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. بررسی روند توسعه کشورهای مختلف حاکی از آن است که توسعه بخش کشاورزی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی و یا حتی فراتر از آن، به‌عنوان پیش‌نیاز ضروری برای تحقق توسعه پایدار[۱] کشور امری حیاتی است؛ به‌طوری‌که بدون رفع موانع توسعه در این بخش، نمی‌توان انتظار داشت سایر بخش‌ها از جمله بخش صنعت به شکوفایی و توسعه دست یابند. در عرصه جهانی، نگرشی بر زمینه‌های تحولی جوامع پیشرفته کنونی گویای آن است که منشأ توسعه‌یافتگی بسیاری از این ممالک، مازاد تولید در بخش کشاورزی در مراحل اولیه توسعه، مبناساز تحولات شده است (مطیعی لنگرودی و شمسایی، ۱۳۸۶: ۸۶). در گزارش بانک جهانی تصریح‌شده، بخش کشاورزی به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی، یک شیوه امرارمعاش و بخش ارائه‌دهنده خدمات زیست‌محیطی، این بخش را به ابزار منحصربه‌فردی برای توسعه تبدیل کرده است (World Bank,2008:2). هدف این پژوهش بررسی کمی دیدگاه‌های نظری در ارتباط با نقش بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی است. برای این منظور تولید، توان اشتغال‌زایی و توزیع درآمد بخش کشاورزی برای اقتصاد ایران به‌عنوان سه متغیر اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی محاسبه شده و بر اساس نتایج حاصله به مقایسه میزان انطباق دیدگاه‌های موجود در کشور درباره بخش کشاورزی با واقعیت جامعه پرداخته شده است. برای این منظور نیز موضوعات فوق پیرامون سه سؤال اساسی ذیل مورد واکاوی قرار گرفته است:

- **بر اساس الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی جایگاه بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی از منظر ضریب فزاینده تولید در اقتصاد ایران چگونه است؟**
- **بر اساس الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی پتانسیل بخش کشاورزی برای اشتغال‌زایی در اقتصاد ایران چند نفر-شغل مستقیم و غیرمستقیم است؟**
- **توسعه بخش کشاورزی چه تأثیری بر توزیع درآمد نهادی و شکاف درآمدی در اقتصاد ایران دارد؟**

[۱] پاسخگویی به نیازهای حال حاضر جامعه بدون به مخاطره انداختن منابع موردنیاز نسل‌های آینده به‌ویژه منابع بین نسلی برای رفع احتیاجاتشان.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۲) مبانی نظری

در ساختار شهری و روستایی اقتصاد ایران، اینکه بخش کشاورزی به‌عنوان یک بخش اقتصادی مهم نقش حیاتی در توسعه را بر عهده داشته، نکته حائز اهمیتی است که در سال‌های اخیر به‌ویژه به دنبال جهش درآمدهای نفتی تردیدهایی در باب آن ایجادشده است. در این زمینه در داخل کشور دیدگاه‌های به نسبت پرنفوذی وجود دارد که تصور آنها بر اهمیت اندک بخش کشاورزی در ساختار اقتصاد است و معتقدند نوع تعامل با این بخش از اقتصاد صرفاً می‌بایست در حد یک بخش مدارا کننده و نه رشد دهنده و اعتلا بخش باشد. در این دیدگاه صاحب‌نظران بر مبنای نظریه "تغییرات ساختاری" قابلیت بخش کشاورزی را تنها در تأمین امنیت غذایی و نقشی اندک در برقراری توازن درآمدی در جامعه می‌دانند. این گروه بر این باورند که از سوئی، بخش کشاورزی به سبب کوچک‌مقیاس بودن فعالیت‌های آن، پر نوسان بودن رشد، بهره‌وری پایین عوامل تولید و نیز کاهش میزان اشتغال در این بخش از بعد از اصلاحات اراضی، توان لازم برای واقع‌شدن به‌عنوان موتور رشد و توسعه در اقتصاد ایران را ندارد (نیلی،۱۳۹۳: ۷).

از سوی دیگر، کاهش شاخص پیوندهای پیشین بخش کشاورزی طی دوره ۲۸ ساله (۱۳۸۰-۱۳۵۲) نشان از عدم توانایی این بخش در ایفای نقش بخش کلیدی در اقتصاد را دارد (Salami et al.2012:6). در ارتباط با این دیدگاه اول باید توجه داشت که اگرچه، بخش کشاورزی از دیرباز به‌عنوان محرک رشد اقتصادی، به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه فقیر مطرح بوده و نقش مهمی در تولید ناخالص داخلی و اقتصاد روستایی ایفا کرده و بخش فراوانی از جامعه فقیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما در کشورهای درحال‌توسعه از بعد تاریخی، در فرآیند توسعه، سهم کشاورزی در تولید و نیروی کار کاهش می‌یابد. این فرآیند باعث شده تا برخی کارشناسان توسعه، بخش کشاورزی را به‌عنوان یک عامل فرعی در راستای توسعه به شمار آورند. در این زمینه باید به این نکته توجه داشت که در کشورهای ثروتمند نیز سهم صنایع تولیدی در کل محصول ملی کاهش و در مقابل تقاضا برای خدمات به‌طور طبیعی افزایش می‌یابد؛ بدین‌سان، این برداشت اشتباه و تلقی نادرست زمینه بروز و ظهور می‌یابد که بهتر است بر مبنای تجربه کشورهای صنعتی و پیشرفته، کشورهای درحال‌توسعه نیز فعالیت‌های تولیدی محکوم‌به شکست خود را کنار بگذارند و مستقیماً به سمت یک اقتصاد خدمات محور جهش کنند. حال‌آنکه نکته قابل‌توجه در بروز این "خطای دید" عدم توجه به منشأ و علت اصلی این کاهش سهم در تولید کل اقتصاد است.

نکته شایان توجه در جلوگیری از بروز چنین خطایی توجه به دو مقوله است: نخست آنکه بخش اعظم این کاهش نه به خاطر کاهش مقدار مطلق کالاهای ساخته و تولیدشده، بلکه به دلیل کاهش قیمت‌های آنها نسبت به قیمت‌های خدمات است. از سوی دیگر، فضای محدود کشورهای درحال‌توسعه برای افزایش

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بهره‌وری، خدمات را به موتور ضعیف رشد مبدل می‌سازد. تجارت‌پذیری کم خدمات به آن معناست که هرچه اقتصاد بیشتر متکی به خدمات باشد، توانایی کمتری برای صادرات خواهد داشت. عواید صادراتی کمتر به معنای توانایی کمتر برای خرید فناوری‌های پیشرفته از خارج است که به‌نوبه خود به رشد آهسته‌تر منجر می‌شود (چانگ،۱۵۴:۱۳۹۳).

نکته حائز اهمیت در مطالعه انتخاب معیار پیوندهای نسل اول به‌عنوان مبنای تصمیم‌گیری و سنجش بخشی است. بکارگیری پیوندهای نسل اول برای محاسبه پیوندهای پسین و پیشین بخش‌های اقتصادی، دلالت بر ارزش برابر تمامی صنایع در جدول داده - ستانده دارد. در این روش، وزن ارزش‌افزوده و تقاضای نهایی برای تمامی بخش‌ها برابر واحد در نظر گرفته می‌شود (بانویی و همکاران، ۱۳۹۳:۹۱۹). کولا[1](۲۰۰۸) نیز در این زمینه معتقد است به‌کارگیری پیوندهای نسل اول تنها اثر ناشی از روابط متقابل بین بخشی را اندازه‌گیری می‌کند و این نقص از طریق استفاده از ضرایب موزون داده – ستانده برطرف می‌گردد. حال‌آنکه استفاده از پیوندهای نسل سوم که در آن وزن هر بخش در اقتصاد متناسب با تقاضای نهایی و ارزش‌افزوده آن بخش در نظر گرفته می‌شود، می‌تواند نتایج محاسبه پیوندهای پسین و پیشین را به شکل دقیق‌تری ارائه نماید. به عبارتی سنجش ارتباط میان بخشی بر اساس میزان خلق تقاضای نهایی و ارزش‌افزوده بخش‌ها تصویر شفاف‌تری ازاین‌روابط ارائه می‌دهد که به واقعیت اقتصاد نزدیک‌تر است. این شفافیت ازاین‌رو است که در الگوی تقاضامحور، تقاضای نهایی متغیری برون‌زا بوده و قدرت نسبی پیوندهای پسین را به‌خوبی اندازه‌گیری می‌کند و همچنین در الگوی عرضه محور، ارزش‌افزوده برون‌زا و بنابراین قدرت نسبی پیوندهای پیشین رو به‌خوبی برآورد می‌کند.

در مقابل دیدگاه دومی وجود دارد که بخش کشاورزی را به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با سایر بخش‌های اقتصادی دارد و به دلیل بهره‌گیری فراوان از تولیدات سایر بخش‌های اقتصادی می‌تواند نقش بسیار مؤثری در به حرکت درآوردن چرخ‌های اقتصادی کشور ایفا نماید (پرمه و دباغ،۱۴۴:۱۳۸۳). این گروه، کاهش فرآورده‌ها و نیروی کار این بخش را ناشی از سیاست‌های تبعیض‌آمیز (یک‌سونگر) داخلی و سازوکارهای تجارت بین‌الملل می‌دانند و معتقدند که یک بخش سازمان‌یافته و یکپارچه کشاورزی می‌تواند به بهبود امنیت غذایی، کاهش قیمت محصولات غذایی، حل معضل بیکاری و افزایش میزان اشتغال، کاهش شکاف درآمدی، ایجاد پیوندهای اقتصادی قوی در زنجیره تولید و تشویق فعالیت‌های مولد، ایجاد تأثیرات مثبت در محیط‌زیست و جلوگیری از گسترش فعالیت‌های زیست‌محیطی زیان‌بار از طریق توجه به مسئله آمایش سرزمین، کاهش پدیده حاشیه‌نشینی شهری از طریق کنترل مهاجرت

[1]. kula

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

روستایی کمک شایانی نماید. بر این اساس، بخش کشاورزی به واسطه تأثیرگذاری گسترده بر اقتصاد به ویژه بر اقتصاد مناطق روستایی به تنهایی می‌تواند نیرو محرکه رشد و توسعه اقتصادی کشور باشد.

مطابق با مطالعات مرتبط با دیدگاه سوم در خصوص کارکرد بخش کشاورزی، توجه به توسعه کشاورزی به لحاظ تأثیرگذاری گستره‌ای که بر توسعه روستایی دارد، مقوله‌ای حائز اهمیت در اقتصاد ایران به لحاظ ایجاد تعادل اقتصادی-اجتماعی به‌شمار می‌آید. تا آنجا که به بخش کشاورزی و جامعه روستایی مربوط می‌شود، نادیده انگاشتن و در حاشیه قرار دادن بخش کشاورزی و جامعه روستایی در نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع کشور، منشأ خسارات بسیار عظیم برای کشور و گسترش و تعمیق موانع بنیادین توسعه ملی شده است (مؤمنی،۱۳۸۳ :۶۳۹). ملر (۱۳۸۲) در مقاله خود با ذکر اهمیت کشاورزی در توسعه کلان و افزایش سطح رفاه عمومی، با ذکر مثال‌هایی از تجربیات کشورهای مختلف در زمینه‌ی نقش بخش کشاورزی در فقرزدایی، تنوع بخشیدن و پایدار کردن الگوی توسعه شهری و روستایی، توزیع درآمد و عدالت اجتماعی و مقایسه آن با ساختار اقتصادی ایران به توان این بخش در ایجاد تعادل و توازن در اقتصاد کشور اشاره می‌کند.

توسعه کشاورزی در بستر توسعه روستاها، ضمن اینکه امکان بهره‌برداری بهینه از منابع آب‌وخاک و منابع انسانی مستقر در مناطق روستایی را فراهم می‌آورد، در ایجاد ساختار اقتصادی مناسب و روند مطلوب توسعه ملی کشور نیز تأثیرات غیرقابل‌انکاری را خواهد داشت به‌گونه‌ای که فراهم‌سازی آمایش مطلوب سرزمین را نیز در پی‌خواهد داشت (ارزیابی استراتژی‌های بخش کشاورزی،۱۳۸۹: ۱). این تأثیرگذاری از طریق کمک به کاهش پدیده مخرب مهاجرت روستایی، افزایش سطح تولید ملی و کاهش قیمت‌ها، کاهش نیاز به واردات و جلوگیری از خروج ارز، کاهش شکاف درآمدی و افزایش سطح رفاه خانوارها نه‌تنها بر اقتصاد که بر اجتماع و حتی امنیت ملی کشور نیز مؤثر می‌افتد. لازم به ذکر است که نکته قبل تأمل دراین‌باره، لزوم افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی در جوامع روستایی برای مقابله با مشکلات موجود در این حوزه است؛ چراکه در روستاها مردم فقیر، بیکار نیستند بلکه درآمدهای‌شان به سبب وجود الگوی تولید سنتی با دو ویژگی طاقت‌فرسا و کم‌بازده بودن، نارساست. از این رو، مسئله اساسی در فرآیند توسعه روستایی، متحول ساختن این الگوی تولید است (مؤمنی،۱۳۸۲: ۱۷). ماهیت فعالیت‌های این بخش به‌گونه‌ای است که توسعه و گسترش بخش کشاورزی شکاف درآمدی خانوارهای شهری و روستایی را کاهش داده و افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش سبب کاهش بیکاری می‌گردد (بانویی، ۱۳۸۴: ۱۰۹).

در گزارش سال ۲۰۰۸ توسعه جهانی بانک جهانی نیز، نقش و اهمیت کسب‌وکار بخش کشاورزی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل برای توسعه اقتصادی کشورها به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته معرفی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

می‌کند که شواهدی دیگر در راستای مشاهدات دیدگاه سوم در ایران به‌شمار می‌رود. در این گزارش مشاهده می‌گردد که میانگین سهم ارزش‌افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی در کشورهای صحرای جنوبی آفریقا حدود ۳۲ درصد و سهم ارزش‌افزوده بخش کسب‌وکار کشاورزی ۲۱ درصد بوده است. مقدار سهم ارزش‌افزوده کشاورزی و ارزش‌افزوده کسب‌وکار کشاورزی در کشورهای پردرآمدتری مانند مکزیک و به ترتیب ۹ و ۲۷ درصد و در کشور صنعتی ایالات‌متحده آمریکا به ترتیب ۱ و ۱۳ درصد است. بدین ترتیب مشاهده می‌شود که سهم ارزش‌افزوده کسب‌وکار کشاورزی از GDP باوجود کاهش سهم ارزش‌افزوده کشاورزی از GDP در فرآیند توسعه اقتصادی، افزایش می‌یابد (Wilkinson & Rocha,2008:49:52).

محاسبات بانک مرکزی مبتنی بر الگوی جدول داده-ستانده سال ۱۳۸۳ نیز نشان داده است که سهم ارزش‌افزوده کسب‌وکار کشاورزی ایران در سال مذکور حدود ۲/۵ برابر سهم ارزش‌افزوده کشاورزی در اقتصاد ملی در سال ۱۳۸۳ بوده است. بنا بر آنچه گفته شد امروزه در سطح مطالعات جهانی با در نظر گرفتن نقش بخش کشاورزی در اقتصاد از جنبه اقتصادی و اجتماعی به‌صورت توأم تأکید می‌شود. نکته قابل‌توجه در این زمینه آن است که با توجه به دارا بودن پشتوانه علمی دیدگاه‌های موجود و نظر به اینکه اگر در تعیین راهبرد توسعه دچار خطا شویم، خواه از جنبه توجه بیش‌ازحد و فراتر از قابلیت‌ها و شایستگی‌های یک بخش و خواه به این صورت که کمتر از حد به آن بخش بهاداده شود، کشور در معرض خسارت و لطمه‌های بزرگ خواهد بود که در هر صورت دچار سوء تخصیص منابع و از دست دادن فرصت‌های طلائی می‌شویم. ازآنجاکه داده‌های مختلف و شواهد و استدلال‌هایی که تاکنون در این زمینه ارائه‌شده دارای نوعی ابهام و گیج‌کنندگی است، بنابراین جهت رفع ابهام در این زمینه، در این پژوهش سعی شده است با تکیه‌بر شواهد موردقبول هر سه دیدگاه و با تکیه‌بر مبانی نظری ماتریس حسابداری اجتماعی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به بررسی وضعیت بخش کشاورزی و میزان انطباق دیدگاه‌های مختلف در حوزه عملکرد این بخش در اقتصاد ایران پرداخته شود.

تاکنون مطالعات گسترده‌ای در زمینه‌ی بررسی قابلیت‌های بخش کشاورزی در عرصه‌های مختلف اقتصادی انجام‌شده است. می‌توان گفت بخش بزرگی از کار اولیه در مورد این موضوع با بحث در مورد نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی در کشورهای کم‌درآمد در دوران پس از دوره‌های طولانی استعمار آغاز شده است. در این بخش مطالعات انجام‌شده در داخل و خارج از کشور موردبررسی قرارگرفته است.

بانویی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "تأثیرگذاری بخش‌های اصلی اقتصاد بر توزیع درآمد خانوارها؛ با رویکرد تحلیل مسیر ساختاری" دریافتند که بخش‌های ساختمان و کشاورزی بیشترین اثر را برافزایش درآمد خانوارها دارد، درحالی‌که بخش نفت و گاز طبیعی و بخش آب، برق و گاز بیشترین اثر را بر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

درآمد شرکت‌ها دارد. با تجزیه ضرایب فزاینده همه‌جانبه در چارچوب تحلیل مسیر ساختاری، یافته‌ها بیانگر تأثیرگذاری بخش کشاورزی از طریق مسیر افزایش درآمد مختلط بر خانوارها بود.

سلامی و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله خود با استفاده از جداول داده-ستانده سال‌های ۱۳۷۰، ۱۳۶۵، ۱۳۵۲ و ۱۳۸۰ به محاسبه پیوندهای پیشین و پسین پنج بخش کشاورزی، صنایع غذایی، صنعت، خدمات و بخش نفت برای تجزیه‌وتحلیل تغییرات در نقش کشاورزی در طول ۲۸ سال گذشته پرداختند. طی این مطالعه مشخص شد که شاخص پیوند پیشین برای بخش صنعت از ۱/۱۱ به ۱/۲ افزایش‌یافته بود، درحالی‌که این شاخص برای بخش کشاورزی از ۱/۲۶به ۰/۹۶کاهش یافته است. از نظر شاخص پیوندهای پسین نیز گرچه که بخش کشاورزی دارای شاخص پیوندهای پسین بزرگی است اما این شاخص پیوندها به بزرگی شاخص پیوندهای بخش صنعت نمی‌باشند. نتیجه جالب این مطالعه آن است که بخش نفت در ایران نمی‌تواند به‌عنوان یک بخش پیشرو (کلیدی) در نظر گرفته شود و جایگاه این بخش در طول دوره مطالعه تغییری نکرده است. آنها همچنین نشان دادند که بخش تولید دارای پتانسیل بالاتر برای افزایش تولید داخلی از طریق اثرات ارتباط بین بخشی نسبت به سایر بخش‌هاست. به‌بیان‌دیگر نتایج درحالی‌که حکایت از اهمیت بخش کشاورزی در تحریک رشد اقتصادی در کشور دارد، لیکن نشان می‌دهد که بخش صنعت دارای پتانسیل بیشتری برای ترغیب تولید در سایر بخش‌های اقتصادی به دلیل اثرات ناشی از ارتباطات متقابل این بخش با سایر بخش‌ها است. این نتیجه بیانگر آن است که توصیه بانک جهانی مبنی برقرار گرفتن بخش کشاورزی به‌عنوان یک بخش کلیدی در توسعه کشورهای درحالی‌که توسعه نمی‌تواند لااقل برای کشورهای صادرکننده نفت مانند ایران صادق باشد.

پیترز[1] (۲۰۱۰) در مقاله خود به بررسی چگونگی تأثیر رشد بخشی بر توزیع درآمد پرداخت. یافته‌های ماتریس حسابداری اجتماعی تعمیم‌یافته سال ۲۰۰۳-۲۰۰۲ هند نشان داد، رشد تقاضا در بخش کشاورزی نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی را کاهش می‌دهد، درحالی‌که رشد تقاضا در صنایع سنگین و سه بخش خدمات تا حد زیادی نابرابری را افزایش می‌دهد. تامبونان[2] (۲۰۰۵) به بررسی این سه سؤال اساسی در اقتصاد اندونزی پرداخت که: نخست، آیا بر اساس داده‌های اقتصادی اندونزی این مفهوم که رشد اقتصادی تأثیر مثبتی بر فقرا دارد، حمایت می‌شود؟ دوم، رشد در بخش کشاورزی برای کاهش فقر مؤثر است؟ سوم، کدام‌یک بیشترین تأثیر را بر کاهش قابل‌ملاحظه فقر در طول دوره اجرای سیاست NO داشته است: مبارزه با فقر، و یا سیاست توسعه به نفع فقرا؟ نتایج این بررسی حاکی از آن بود که رشد اقتصادی با کاهش فقر همبستگی مثبت دارد، و رشد تولید یا درآمد در بخش کشاورزی قوی‌ترین اثر را بر کاهش فقر نسبت به بخش‌های دیگر داشته است. همچنین این یافته نشان می‌دهد که حمایت از رشد کشاورزی برای کاهش فقر ضروری است.

[1] .Pieters 2008
[2] . Tambunan 2005

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

روچی،رومانی و استفانی[1] (۲۰۰۲) در پژوهشی تحت عنوان "کشاورزی و توزیع درآمد: نکاتی درباره ماتریس حسابداری اجتماعی اقتصاد ایتالیا" که نتایج اولین تجزیه‌وتحلیل بخش کشاورزی در قالب SAM را برای اقتصاد ایتالیا با استفاده از دو رویکرد ضرایب فزاینده و ارزیابی توزیعی اثرات سیاست‌های مختلف کشاورزی نشان می‌داد، اظهار داشتند که طرح‌های کمک درآمدی به‌طور کامل عادلانه‌ترین نوع مداخلات‌اند و اثرات توزیعی در بخش سازمانی را به بهترین شکل تعیین می‌کنند. بیش از نیمی از این مداخلات کمک درآمدی که در حال حاضر تحت CAP در حال اجرا هستند، بسیار مؤثرتر از مواردی هستند که به‌صورت غیرمستقیم اثرات مثبتی بر درآمد خانوارهای کشاورز وارد می‌کنند. حمایت از قیمت‌های کشاورزی اثرات مطلوب کمتری بر اثرات توزیعی خواهد داشت.

بررسی مطالعات انجام‌شده در خارج از کشور نشان داد در قالب الگوهای مختلف اقتصادی تأثیر توسعه و گسترش فعالیت‌های بخش کشاورزی در کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و از همین رو حفظ تعادل اقتصادی-اجتماعی در کشورهای مختلف بیشتر از سایر بخش‌های اقتصادی است[2].

مطالعات فوق روشن می‌سازد که در بین صاحب‌نظران علی‌رغم وجود تفاوت دیدگاه درباره نقش و تأثیربخش کشاورزی در اقتصاد، نوعی اتفاق‌نظر نیز دیده می‌شود. این اتفاق‌نظر در خصوص عملکرد بخش کشاورزی در حفظ تعادل اقتصادی – اجتماعی در جامعه است. منظور از این تعادل شرایطی است که در آن متغیرهای اقتصادی و اجتماعی به‌طور همزمان در حالت تعادل قرارگرفته باشند. به عبارت بهتر، توسعه و گسترش فعالیت‌های یک بخش خاص بتواند علاوه بر بعد اقتصادی در ابعاد اجتماعی نیز در جامعه تعادل برقرار نماید. این مهم رخ نخواهد داد مگر آنکه بخش مذکور از هر دو نظر دارای پیوندهای عمیق و قوی در ساختار جامعه باشد و بتواند در شکل‌گیری ساختارهای جدید بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشد.

۳) روش تحقیق

از منظر روش‌شناسی و به‌تبع آن تحلیل‌های سیاستی اقتصادی و اجتماعی، تحلیل‌گران حوزه ماتریس حسابداری اجتماعی از سه رویکرد کلی استفاده می‌کنند که عبارت‌اند از: رویکرد ضرایب فزاینده حسابداری، رویکرد ضرایب فزاینده قیمت ثابت (پروین و همکاران،۱۳۹۲:۳۲) و رویکرد تحلیل مسیر ساختاری. در این مقاله متناسب با انتخاب شاخص‌های ضریب فزاینده تولید به‌عنوان معیار اقتصادی و

[1] . Rocchi , Romano, Stefani 2002

[2] . Parra (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای که در بروی اقتصاد تانزانیا با استفاده از الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی این کشور انجام داد دریافت فعالیت‌های بخش کشاورزی بیشترین تأثیر را بر رشد تولید و اشتغال در این کشور دارد. در مطالعه دیگری که توسط Diao,Hazell,Thurlow (2010) انجام شد اثر کانال‌های رشد بر کاهش فقر و نرخ رشد در شش کشور کم‌درآمد از آفریقا موردبررسی قرار گرفت. بر اساس این مطالعه، تأثیر رشد صنعتی در کاهش فقر از رشد کشاورزی به دلیل آنکه درصد عمده‌ای از جمعیت (حدود ۷۰ درصد) در مناطق روستایی زندگی می‌کنند کمتر بوده است. همچنین نشان داد بخش کشاورزی فرصت‌های شغلی بیشتر برای فقرا ایجاد کرده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

توان اشتغال‌زایی و توزیع درآمد نهادی به‌عنوان معیارهای اجتماعی از رویکرد ضرایب فزاینده حسابداری برای محاسبه ضریب فزاینده تولید و میزان اشتغال‌زایی و محاسبه ضریب توزیع درآمد نهادی بخش‌ها درنتیجه افزایش یک واحد اضافی اقلام برون‌زا استفاده‌شده است.

۱-۳) ضریب فزاینده تولید، توان اشتغال‌زایی و توزیع درآمد در ماتریس حسابداری اجتماعی

ضریب فزاینده تولید در ماتریس حسابداری اجتماعی از رابطه تراز تولیدی به شکل ذیل به دست می‌آید:

$$y_n = Te + x_n \quad (1)$$

در رابطه (۱)، y_n درآمد کل حساب‌های درون‌زاست که بخشی از آن، تولید واسطه (Te) و بخش دیگر درآمد سایر حساب‌ها است. همچنین برای محاسبه ماتریس ضرایب فزاینده مستقیم از روابط ذیل استفاده می‌شود:

$$B_{ij} = [T_{ij}][Y_j]^{-1} \quad (۲)$$

در این رابطه B ماتریس مبادلات واسطه‌ای بین حساب‌های درون‌زاست و به‌صورت $B = \begin{bmatrix} B_{11} & 0 & B_{13} \\ B_{21} & 0 & 0 \\ 0 & B_{32} & B_{33} \end{bmatrix}$ نمایش داده می‌شود که در آن B_{11} ماتریس ضرایب مستقیم متوسط داده-ستانده لئونتیف و B_{13} ماتریس ضرایب متوسط هزینه یا مصرف خانوارها و B_{21} ماتریس ضرایب متوسط درآمد عوامل تولید B_{32} ماتریس ضرایب متوسط تخصیص(عوامل تولید برنهادها) و B_{33} ماتریس ضرایب متوسط انتقالات جاری بین نهادها است.

اگر رابطه (۱) را با توجه به رابطه (۲) بازنویسی کنیم، خواهیم داشت:

$$y_n = B_n y_n + x_n \quad (۳)$$

پس از آن خواهیم داشت:

$$(I - B_n) y_n - x_n \quad (۴)$$

$$y_n = (I - B_n)^{-1} x_n \quad (۵)$$

در این رابطه $m_{ij} = (I - B)^{-1}$ معرف ماتریس ضرایب فزاینده حسابداری و x متغیرهای کلان سیاستی حساب‌های برون‌زا است که بر مبنای آن می‌توان تحلیل‌های سیاستی همزمان اقتصادی و اجتماعی، رشد و توزیع درآمد در قالب سیاست‌گذاری‌ها را موردسنجش قرار داد. برای سنجش میزان اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم هر یک از بخش‌ها و نقش حساب‌های عوامل تولید و نهادها در ایجاد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

اشتغال غیرمستقیم، از پیوند رابطه تراز ترکیبی تولید و درآمد در الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی به جمعیت استفاده می‌شود که به‌صورت ذیل بیان می‌گردد:

$$(۶)\ Y^n = (I + B + C + D)X$$

که در این رابطه:

$B = [M_1 - I]$
$C = [M_2 - I]\, M_1$
$D = [M_3 - I]\, M_2 M_1$

بر این اساس رابطه تراز تولیدی برای حساب‌های تولید و سایر حساب‌ها به‌صورت ذیل تعریف می‌شود:

$$(۷)\ \text{تراز رابطه تولیدی}\quad Y_1^n = M_{11}x_1 + \ldots + M_{1s}x_s$$

$$(۸)\ \text{تراز رابطه درآمدی}\quad Y_2^n = M_{21}x_1 + \cdots + M_{2s}x_s$$

که در این رابطه نیز Y_1^n درآمد فعالیت‌های تولید و Y_2^n درآمد سایر حساب‌ها است. x_1 و x_{18} نیز به ترتیب اجزای تشکیل‌دهنده متغیرهای برون‌زای حساب‌های تولیدی و عوامل تولید و نهادها و سایر حساب‌های برون‌زا را نشان می‌دهند که بر مبنای روابط فوق محاسبه توان اشتغال‌زایی در ماتریس حسابداری اجتماعی فقط از طریق رابطه تراز تولیدی که در آن پیوند بین ماتریس حسابداری اجتماعی و اشتغال برقرارشده، امکان‌پذیر خواهد بود. دلیل این امر آن است که ضریب مستقیم اشتغال تنها در سطح بخش اقتصادی معنی‌دار است. به‌منظور برقراری پیوند بین Y_1^n ، x و L چهار فرض اساسی ذیل را در نظر می‌گیریم:

- *همانند فعالیت‌های اقتصادی مختلف که کالاهای اساسی و کالاهای همگن را تولید می‌کنند، اشتغال در بخش‌های مختلف نیز همگن فرض شده است.*
- *نسبت اشتغال مستقیم به تولید در کلیه بخش‌ها ثابت است.*
- *اشتغال خارج از سیستم تولیدی و بدون ملاحظه به ساختار درآمد، درآمد طیف وسیعی از گروه‌های اقتصادی و اجتماعی نیروی کار و خانوارها که ارتباط مستقیم با جمعیت فعال و کل جمعیت جامعه دارند به سیستم تحمیل می‌گردد.*
- *فقط فعالیت‌های تولیدی نقش اساسی در ایجاد اشتغال دارند.*

با در نظر گرفتن فروض فوق برای محاسبه توان اشتغال‌زایی در بخش‌های مختلف اقتصادی ابتدا نیازمند محاسبه ضرایب مستقیم اشتغال هستیم:

$$(۹)\quad \ell = L/Q$$

در این رابطه L کل اشتغال و Q ارزش تولید ناخالص است و ℓ نیز ضرایب اشتغال است.

می‌دانیم که:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

$$Y_1^{r_0} = Q = M_{11}x_1 + \dots + M_{118}x_{18} \quad (10)$$

$$L = \ell Q = \ell y d \quad (11)$$

$$L = \ell M_{11}x_1 + \dots + \ell M_{18}x_{18} \quad (12)$$

رابطه فوق پیوند بین ماتریس حسابداری اجتماعی و اشتغال را بیان می‌دارد.در این رابطهM_{11} ماتریس ضرایب فزاینده اشتغال در قالب اثرات همه‌جانبه ناشی از تزریق یک واحد اضافی اقلام برون‌زای حساب‌های تولیدی، عوامل تولید و نهادها و با فرض صفر بودن اقلام تزریقی حساب‌های برون‌زا است. در صورت تجزیه M_{11}، نه‌فقط اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم فعالیت‌های تولیدی مشخص می‌گردد، بلکه نقش عوامل تولید و نهادها نیز در ایجاد اشتغال غیرمستقیم در سطح بخش نیز مشخص می‌شود. در این صورت رابطه تعیین توان اشتغال‌زایی تجزیه‌شده در بخش‌های مختلف اقتصادی با فرض صفر بودن اقلام تزریقی حساب‌های برون‌زا به شکل ذیل خواهد بود :

$$L = \ell x_1 + \ell B_{11}\, x_1 + \ell\, C_{11}\, x_1 + \ell\, D_{11}\, x_1 + \cdots + \ell x_8 + \ell B_{18}\, x_8 + \ell\, C_{18}\, x_8 + \ell D_{18} x_8 \quad (13)$$

در رابطه فوق مجموع اشتغال ایجادشده مستقیم و غیرمستقیم درنتیجه تزریق یک واحد اضافی مشخص از اقلام تشکیل‌دهنده متغیرهای برون‌زا حساب تولید (x_1) است. جز اول سمت راست ℓx_1 در این رابطه ضرایب مستقیم اشتغال ناشی از اثرات اولیه است. اجزای $\ell B_{11}\, x_1$ و $\ell\, C_{11}\, x_1$ و $\ell\, D_{11}\, x_1$ به ترتیب اثرات حلقه بسته ناقص، اثرات حلقه باز که برابر صفر است و اثرات حلقه بسته کامل اشتغال را که نقش و اهمیت عوامل تولید و نهادهای داخلی در ایجاد اشتغال غیرمستقیم بخش‌های اقتصادی هستند، را نشان می‌دهند.

جهت بررسی وضعیت توزیع درآمد نیز، از رویکرد تجزیه ضریب فزاینده حسابداری استفاده‌شده است. یکی از محاسن اصلی و میزان انعطاف‌پذیری ماتریس ضرایب فزایندهٔ در مقایسه با ماتریس ضرایب فزایندهٔ در الگوی داده- ستانده این است که ماتریس مذکور را به سه جزءِ مشخص اثرات انتقالی، اثرات حلقه باز و اثرات حلقه بسته تجزیه نمود. این نوع تجزیه‌پذیری می‌تواند نقش و اهمیت عوامل تولید و نهادهای داخلی جامعه را در فرآیند پیچیده تولید به‌صورت کمّی نشان دهد و همچنین اثرات مستقیم و غیرمستقیم افزایش تقاضای نهایی هر بخش‌بر تولید و توزیع درآمد نهادی به‌صورت جداگانه آشکار کند. برای این منظور داریم :

$$y_n = (I - B_n)^{-1}\, x_n = Max_n \quad (14)$$

$$M\alpha = M_3 M_2 M_1 \quad (15)$$

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

Ma در رابطه فوق اثرات زنجیرهای کل ناشی از افزایش یک واحد اضافی اقلام برون‌زا برافزایش y_nاست که کل اثرات به سه جزء اثرات انتقالی M_1و اثرات حلقه بازر M و اثرات حلقه بسته M_2 قابل‌تجزیه است. برای تجزیه Ma داریم:

$$B_n = B_n^{\sim} + B_n^{-}$$
$$y_n = (B_n^{\sim} + B_n^{-})y_n + x_n \quad (15)$$
$$y_n = (I - B_n^{***})^{-1}(I + B_n^{*} + B_n^{**})(I - B_n^{\sim})^{-1}x_n \quad (16)$$

که در آن :

$$M_3 = (I - B_n^{***})^{-1} \ , M_2 = (I + B_n^{*} + B_n^{**}) \ , M_1 = (I - B_n^{\sim})^{-1} \quad (17)$$

۲-۳) پایه‌های آماری

ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۵ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از نوع ماتریس‌های مبتنی بر جداول داده – ستانده متقارن بخشی است که در این نوع SAM هم کالاهای اصلی در نظر گرفته می‌شود و هم کالاهای فرعی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱: ۱). در این ماتریس حساب تولید شامل ۴۸ بخش‌بر اساس رشته *فعالیت‌های* طبقه‌بندی ISIC است. حساب عوامل تولید شامل سه جز جبران خدمات کارکنان، درآمد مختلط و مازاد عملیاتی ناخالص است. حساب نهادهای داخلی شامل دهک بندی خانوارهای شهری و روستایی و نیز یک سطر و ستون مربوط به شرکت‌هاست. حساب دولت (خالص مالیات)، حساب تشکیل سرمایه (مجموع تشکیل سرمایه و تغییر در موجودی انبار) حساب دنیای خارج نیز هر یک دارای یک سطر و ستون در این ماتریس است.

ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۹۰ نیز همانند ماتریس سال ۱۳۸۵، از نوع ماتریس‌های مبتنی بر جداول داده – ستانده متقارن بخشی است. در این جداول هر بخش بیش از یک کالا تولید می‌کند. در این جدول حساب تولید ۷۱ رشته فعالیت را بر اساس طبقه‌بندی ISIC شامل می‌شود. حساب عوامل تولید شامل سه جز جبران خدمات کارکنان، درآمد مختلط و مازاد عملیاتی ناخالص است. حساب نهادهای داخلی شامل دهک‌بندی خانوارهای شهری و روستایی و نیز یک سطر و ستون مربوط به شرکت‌ها است. حساب دولت (خالص مالیات)، حساب تشکیل سرمایه (مجموع تشکیل سرمایه و تغییر در موجودی انبار) حساب دنیای خارج نیز هر یک دارای یک سطر و ستون در این ماتریس است. برای سنجش میزان اشتغال‌زایی بخش‌های اقتصادی نیز از آمار اشتغال مرکز آمار ایران سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ استفاده‌شده است. این آمارها بر اساس سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن موجود است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۴) یافته‌های تحقیق

۴-۱) تحلیل ضریب فزاینده تولید

نتایج محاسبه ضریب فزاینده تولید برای ۲۹ بخش از اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در قالب جدول (۱) نشان داده‌شده است.

جدول شماره (۱): نتایج محاسبه ضریب فزاینده تولید

بخش	ضریب در سال ۱۳۸۵	بخش	ضریب در سال۱۳۹۰
صنایع وابسته به کشاورزی	۳.۲۳	کشاورزی	۲.۹۴
هتل، خوابگاه و رستوران	۳.۲۱	ساختمان	۲.۸۸
کشاورزی	۳.۱۱	ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۲.۷۰
عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	۳.۰۰	عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	۲.۶۴
ساختمان	۲.۹۲	صنایع وابسته به کشاورزی	۲.۶۲
وسایل نقلیه موتوری،تریلرها و نیم‌تریلرها،بدنه،قطعات و لوازم	۲.۸۲	آموزش	۲.۶۰
ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۲.۷۵	حمل و نقل	۲.۵۶
امور عمومی، شهری، دفاعی، انظامی وتامین اجتماعی اجباری	۲.۷۳	سایر صنایع(مبلمان-مصنوعات گرانبها و بازیافت)	۲.۵۳
سایر صنایع(مبلمان-مصنوعات گرانبها و بازیافت)	۲.۷۰	کانی های غیرفلزی	۲.۵۲
ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۲.۶۴	پست و مخابرات	۲.۵۱
کانی های غیرفلزی	۲.۶۱	امور عمومی، شهری، دفاعی، انظامی وتامین اجتماعی اجباری	۲.۴۷
آموزش	۲.۵۷	بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی	۲.۴۲
فلزات اساسی	۲.۴۶	واسطه گریهای مالی	۲.۴۱
بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی	۲.۴۳	وسایل نقلیه موتوری،تریلرها و نیم‌تریلرها،بدنه،قطعات و لوازم الحاقی	۲.۴۰
پست و مخابرات	۲.۴۲	ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۲.۳۸
آب و برق و گاز طبیعی	۲.۳۷	کک، فراورده های نفتی، سوخت هسته ای، محصولات شیمیایی	۲.۳۴
حمل و نقل	۲.۳۱	فلزات اساسی	۲.۳۱
ساخت ماشین آلات و دستگاه‌های برقی طبقه بندی نشده	۲.۳۰	خدمات	۲.۲۹
واسطه گریهای مالی	۲.۲۸	هتل، خوابگاه و رستوران	۲.۲۶
خدمات	۲.۲۶	ساخت ماشین آلات و دستگاه‌های برقی طبقه بندی نشده	۲.۲۱
سایر معادن	۲.۱۶	سایر معادن	۲.۱۲
کاغذ و چاپ	۲.۱۱	آب و برق و گاز طبیعی	۱.۹۸
کک، فراورده های نفتی، سوخت هسته ای، مواد و محصولات شیمیایی	۲.۰۴	خدمات مستغلات	۱.۹۶
خدمات مستغلات	۱.۹۷	کاغذ و چاپ	۱.۸۸
ساخت ماشین آلات و تجهیزات	۱.۸۲	ساخت ماشین آلات و تجهیزات	۱.۶۰
استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۱.۵۴	استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۱.۵۴
ساخت رادیو ، تلویزیون و دستگاه ها و وسایل ارتباطی	۱.۵۴	ساخت ایزار پزشکی، اپتیکی و ابزار دقیق ، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۱.۵۱
ساخت ایزار پزشکی، اپتیکی و ابزار دقیق ، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۱.۵۰	ساخت ماشین آلات دفتری ، حسابداری و محاسباتی	۱.۲۴
ساخت ماشین آلات دفتری ، حسابداری و محاسباتی	۱.۱۸	ساخت رادیو ، تلویزیون و دستگاه ها و وسایل ارتباطی	۱.۱۲

منبع: محاسبات تحقیق براساس ماتریس حسابداری اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

ارقام جدول فوق، آثار و تبعات مستقیم و غیرمستقیم افزایش یک واحد (یک‌میلیون ریال) کالاها و خدمات نهایی یا اجزای تشکیل‌دهنده‌ی تقاضای نهایی هر بخش را برافزایش تولید نشان می‌دهد. به‌طور مثال، افزایش یک‌میلیون ریالی تقاضای نهایی و یا هریک از اجزای تشکیل‌دهنده‌ی تقاضای نهایی در بخش صنایع وابسته به کشاورزی در سال ۱۳۸۵، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم سبب افزایش تولید کل اقتصاد معادل ۳/۲۳ میلیون ریال شده است. این رقم افزایش تقاضای نهایی بخش مذکور در سال ۱۳۹۰ معادل ۲/۶۲ میلیون ریال بوده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در سال ۱۳۸۵ افزایش یک‌میلیون ریالی سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنایع وابسته به کشاورزی (با افزایش تولید کل اقتصاد معادل ۳/۲۳ میلیون ریال)، هتل، خوابگاه و رستوران (با افزایش تولید کل اقتصاد معادل ۳/۲۱ میلیون ریال)، کشاورزی (با افزایش تولید کل اقتصاد معادل ۳/۱۱ میلیون ریال)، عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها (با افزایش تولید کل اقتصاد معادل ۳ میلیون ریال) و ساختمان (با افزایش تولید کل اقتصاد معادل ۲/۹۲ میلیون ریال) به ترتیب بیشترین تأثیر را به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم برای افزایش تولید کل اقتصاد در این سال را داشته‌اند. در سال ۱۳۹۰ نیز بخش‌های کشاورزی، ساختمان، ساخت محصولات فلزی فابریکی به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات، عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها و صنایع وابسته به کشاورزی هریک به ترتیب با ضریب فزاینده‌ای معادل ۲/۹۴، ۲/۸۸ ، ۲/۲،۶۴/۷ و ۲/۶۲ بیشترین سهم را در افزایش تولید کل اقتصاد در ازای افزایش یک‌میلیون ریالی تقاضای نهایی و یا هریک از اجزای تشکیل‌دهنده‌ی تقاضای نهایی در اقتصاد داشته‌اند.

این نتایج حاکی از آن است که گرچه توان تولیدی (ضریب فزاینده تولید) در بخش‌های مختلف طی بازه زمانی موردبررسی کاهش محسوسی داشته و تغییرات قابل‌توجهی در رتبه‌بندی بخش‌ها به لحاظ تغییر ضریب فزاینده تولید آنها رخ‌داده به‌طوری‌که متوسط ضریب فزاینده تولید از ۲/۳۸ در سال ۱۳۸۵ به ۲/۲۴ در سال ۱۳۹۰ به دلایل مختلف کاهش‌یافته است، اما همان‌طور که مشاهده می‌شود، در بین بخش‌های مولد اقتصادی تنها دو بخش کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی در این بازه زمانی در بین بخش‌های دارای ضریب فزاینده تولید بالاتر از میانگین در رتبه‌های اول تا پنجم قرار داشته است.

از جمله دلایل این کاهش می‌توان به تغییر کاربری اراضی کشاورزی در روستاها اشاره کرد. ایران طی چند دهه گذشته شاهد تغییر کاربری اراضی کشاورزی روستاها به کاربری مسکونی و تجاری، خدماتی و صنعتی به ویژه در روستاهای پیرامون کلان‌شهرها بوده که مجموعه‌ای از عوامل مختلف نظیر مهاجرت جمعیت روستایی به شهرها و نیاز به گسترش و توسعه شهرها در آن تاثرگذار بوده است (امینی و همکاران،۱۳۹۶ : ۱۸).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

اهمیت توجه به این موضوع از آن جهت است که حمایت از بخش‌های مولد اقتصادی همچون کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی از سوئی منجر به افزایش تولید و ثروت در جامعه به ویژه در مناطق روستایی می‌گردد. از سوی دیگر، تاثیر این رونق اقتصادی در مناطق روستایی کشور علاوه بر آثار اقتصادی مثبت، سبب پیش‌گیری از وقوع و کاهش رخداد ناهنجاری‌های اجتماعی همچون کاهش پدیده حاشینه‌نشینی شهری به سبب مهاجرت روستائی خواهد شد. اهمیت این موضوع هم از باب اجتماعی و هم از باب امنیت ملی قابل بحث و بررسی است. در مقابل تضعیف بخش غیرمولدی مانند خدمات مستغلات که نه‌تنها منجر به افزایش تولید و ثروت در اقتصاد نمی‌شود بلکه توزیع درآمد را نیز ناعادلانه می‌کند، نقش بسزایی در بهبود وضعیت اقتصادی کشورها، به‌ویژه اقتصادهایی درگیر چالش بخش غیرمولد قوی و سود ده در کنار تورم بالا و نااطمینانی، دارد. کایزنر[1] (۱۹۹۷) در تعریف کار مولد، فعالیتی که بهره‌وری را افزایش داده و اثر خارجی مثبت ایجاد کند را مولد تعریف می‌کند. فعالیت مولد مبتنی بر تولید و اشتغال‌زاست. همیشه فعالیت‌های مولد، با ریسک بالاتری همراه هستند و همچنین نرخ بازگشت سرمایه آنها نسبت به فعالیت‌های غیرمولد بسیار پایین‌تر است. بنابراین به‌صورت خود به خودی سرمایه‌ها به سمت بخش‌های غیرمولد سوق پیدا می‌کند.

نکته حائز اهمیت در اینجا استفاده از پتانسیل‌ها و توجه به نقش فعالیت‌هایی همچون کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی در حوزه فعالیت‌های مولد و تمرکز بر تقویت بنیه اقتصادی مناطق روستایی جهت برقراری تعادل اقتصادی است. در بازه موردبررسی و با توجه به ساختار اقتصادی ایران کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی از ضریب فزاینده تولید بالاتری نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی به‌ویژه در مقایسه با فعالیت‌های نامولد اقتصادی برخوردار هستند و به همین سبب می‌تواند بیشترین سهم را در افزایش تولید و ثروت در کشور و از همین رو برقراری تعادل اقتصادی بین مناطق شهری و روستایی در جامعه داشته باشد. از سوی دیگر، همان‌طور که از نتایج برمی‌آید ۲۱بخش ازجمله بخش‌های کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی (به ترتیب با ۵/۴۱- درصد و ۱۹/۰۳- درصد) از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ با کاهش ضریب فزاینده تولید مواجه بوده‌اند اما علی‌رغم این کاهش همچنان در صدر فعالیت‌های تولیدی از منظر ضریب فزاینده تولید قرار دارند که این امر خود گویای جایگاه و سهم بسزای بخش‌های مذکور در افزایش تولید و حفظ توازن اقتصادی نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی کشور است.

[1]. Kirzner

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۲-۴) تحلیل نتایج اشتغال‌زایی

نمودار ۱ و ۲ به ترتیب سهم فعالیت‌های عمده اقتصادی از کل اشتغال کشور را در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰بر اساس آمار شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر برحسب وضع شغلی و فعالیت (سال ۱۳۸۵و ۱۳۹۰) مرکز آمار ایران را نشان می‌دهد. سهم اشتغال بخش کشاورزی از کل اشتغال کشور برای سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب برابر ۱۸ و ۲۱ درصد بوده که از این نظر پس از بخش خدمات در رتبه دوم قرار دارد. این موضوع خود گویای توان بالقوه بخش کشاورزی به عنوان اصلی‌ترین فعالیت اقتصادی روستایی در کاهش آمار بیکاری و لزوم تمرکز سیاست‌گذاران بر مناطق روستایی جهت رفع این معضل است. با در نظر گرفتن این مهم که در مسیر توسعه‌ی اقتصادی، سهم بخش کشاورزی در اشتغال کاهش می‌یابد اما توسعه‌ی کسب‌وکار کشاورزی موجبات رشد اقتصادی، کاهش فقر و تغییرات ساختاری در اقتصاد کشورها را فراهم می‌سازد، مشاهده می‌شود صنایع وابسته به کشاورزی نیز در این رتبه‌بندی در جایگاه پنجم قرار دارد.

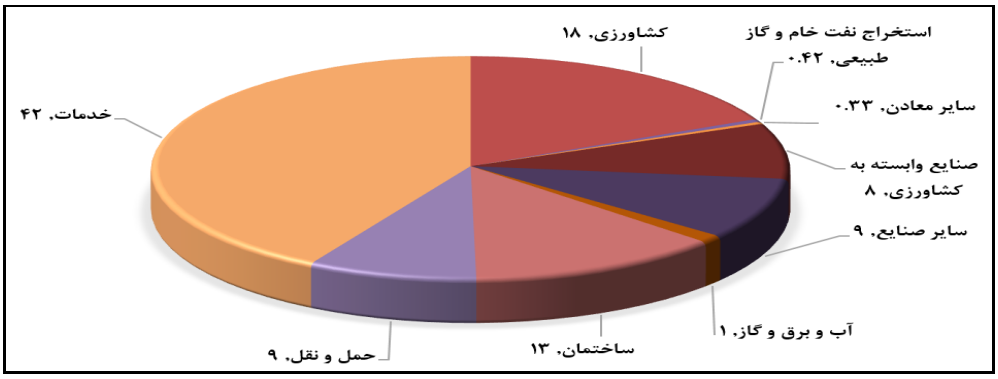

شکل شماره (۱): نمودار سهم اشتغال بخشی سال ۱۳۸۵ کشور

مأخذ: آمار شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر برحسب وضع شغلی و فعالیت(سال۱۳۸۵) مرکز آمار ایران

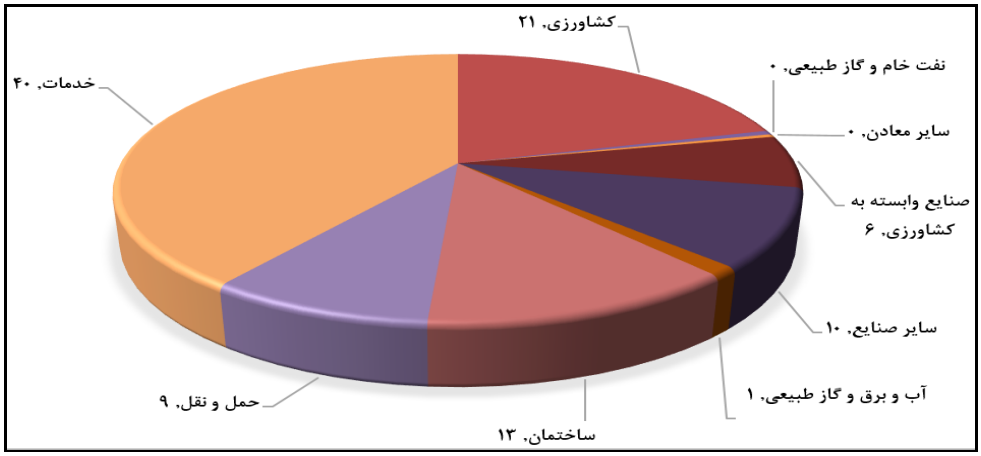

شکل شماره (۲): نمودار سهم اشتغال بخشی سال ۱۳۹۰ کشور

مأخذ: آمار شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر برحسب وضع شغلی و فعالیت(سال۱۳۹۰) مرکز آمار ایران.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

نتایج حاصل از محاسبه توان اشتغال‌زایی در ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰برای ۲۹ بخش در ساختار اقتصادی ایران نیز در قالب جدول دو نمایش داده‌شده است.

جدول شماره (۲): نتایج محاسبه توان اشتغال‌زایی کشور (نفر–شغل)

بخش	توان اشتغالزایی سال ۱۳۸۵	بخش	توان اشتغالزایی سال ۱۳۹۰
کشاورزی	۲۲	کشاورزی	۸
امور عمومی، شهری، دفاعی، اتظامی وتامین اجتماعی اجباری	۲۱	آموزش	۷
صنایع وابسته به کشاورزی	۲۰	امور عمومی، شهری، دفاعی، اتظامی وتامین اجتماعی اجباری	۷
آموزش	۱۹	ساختمان	۶
ساختمان	۱۹	ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۶
هتل، خوابگاه و رستوران	۱۸	حمل و نقل	۶
عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	۱۸	صنایع وابسته به کشاورزی	۶
خدمات	۱۷	خدمات	۵
سایر صنایع(مبلمان-مصنوعات گرانبها و بازیافت)	۱۶	عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	۵
ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۱۵	سایر صنایع(مبلمان-مصنوعات گرانبها و بازیافت)	۵
حمل و نقل	۱۳	بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی	۵
بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی	۱۳	کانی های غیرفلزی	۴
کانی های غیرفلزی	۱۳	هتل، خوابگاه و رستوران	۴
پست و مخابرات	۱۲	واسطه گریهای مالی	۴
واسطه گریهای مالی	۱۰	کاغذ و چاپ	۳
آب و برق و گاز طبیعی	۱۰	پست و مخابرات	۳
کاغذ و چاپ	۱۰	سایر معادن	۳
ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۱۰	ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۳
وسایل نقلیه موتوری،تریلرها و نیم‌تریلرها،بدنه،قطعات و لوازم الحاقی آن	۹	وسایل نقلیه موتوری،تریلرها و نیم‌تریلرها،بدنه،قطعات و لوازم الحاقی آن	۲
سایر معادن	۹	ساخت ماشین آلات و دستگاه‌های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر	۲
ساخت ماشین آلات و دستگاه‌های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر	۷	فلزات اساسی	۲
فلزات اساسی	۷	آب و برق و گاز طبیعی	۲
خدمات مستغلات	۶	خدمات مستغلات	۲
ساخت ماشین آلات و تجهیزات	۵	کک، فراورده های نفتی، سوخت هسته ای، مواد و محصولات شیمیایی	۲
کک، فراورده های نفتی، سوخت هسته ای، مواد و محصولات شیمیایی	۵	ساخت ماشین آلات و تجهیزات	۱
ساخت ایزار پزشکی، اپتیکی و ابزار دقیق ، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۴	ساخت ایزار پزشکی، اپتیکی و ابزار دقیق ، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۱
ساخت رادیو ، تلویزیون و دستگاه ها و وسایل ارتباطی	۳	استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۱
استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۳	ساخت ماشین آلات دفتری ، حسابداری و محاسباتی	۱
ساخت ماشین آلات دفتری ، حسابداری و محاسباتی	۲	ساخت رادیو ، تلویزیون و دستگاه ها و وسایل ارتباطی	۰

منبع: محاسبات تحقیق بر اساس ماتریس حسابداری اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

طبق داده‌های سال ۱۳۸۵، در این سال درنتیجه افزایش یک‌میلیون ریالی اقلام برون‌زا (حساب دولت، حساب سرمایه، حساب دنیای خارج) و به‌تبع آن افزایش تولید، میزان افزایش تقاضای مستقیم و غیرمستقیم برای نیروی کار در هریک از بخش‌های کشاورزی، امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تأمین اجتماعی اجباری، صنایع وابسته به کشاورزی، آموزش، ساختمان، هتل، خوابگاه و رستوران و عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه به ترتیب معادل ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹،۱۹، ۱۸ و ۱۸نفر – شغل مستقیم و غیرمستقیم بوده است. این نتایج حاکی از آن است بخش کشاورزی با ایجاد ۲۲ نفر - شغل مستقیم و غیرمستقیم در رتبه نخست ازنظر توان اشتغال‌زایی در بین بخش‌های موردبررسی قرار دارد. از این تعداد سهم اشتغال‌زایی مستقیم بخش معادل ۱۰نفر- شغل و ۱۲ نفر- شغل نیز سهم اشتغال‌زایی غیرمستقیم در این بخش بوده است. به‌عبارت‌دیگر، به‌طور متوسط توان اشتغال‌زایی در این بخش معادل ۱/۳۰ درصد از کل توان اشتغال‌زایی در این سال بوده است.

بخش‌های امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تأمین اجتماعی اجباری و صنایع وابسته به کشاورزی نیز هریک با ۲۱و ۲۰ نفر شغل مستقیم و غیرمستقیم پس از بخش کشاورزی ازنظر توان اشتغال‌زایی در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارد. بخش امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تأمین اجتماعی اجباری ۱۱ نفر- شغل اشتغال‌زایی مستقیم و ۱۰ نفر- شغل اشتغال‌زایی غیرمستقیم و نیز صنایع وابسته به کشاورزی نیز ۶ نفر- شغل اشتغال‌زایی مستقیم و ۱۴ نفر- شغل اشتغال‌زایی غیرمستقیم در سال ۱۳۸۵ داشته‌اند.

نتایج حاصل از محاسبه توان اشتغال‌زایی به تفکیک ۲۹ بخش برای سال ۱۳۹۰ گویای ایجاد تغییرات قابل‌توجهی در حوزه اشتغال در کشور است. بر اساس این نتایج بخش کشاورزی با ۸ نفر-شغل مستقیم و غیرمستقیم همانند سال ۱۳۸۵ در رتبه اول ازنظر توان اشتغال‌زایی قرارگرفته است. بخش‌های آموزش و امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تأمین اجتماعی اجباری نیز با ۷ نفر-شغل مستقیم و غیرمستقیم در رتبه دوم جای دارد. بخش‌های صنایع وابسته به کشاورزی، ساختمان، ساخت محصولات فلزی فابریکی به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات و حمل‌ونقل نیز به‌صورت مشترک در رتبه سوم قرار دارند. بخش کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی علی‌رغم اینکه که بیشترین میزان کاهش توان اشتغال‌زایی را در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ تجربه کرده‌اند، اما همچنان از این نظر در رتبه‌های اول و سوم قرار دارد.

بر اساس آمارهای رسمی مرکز آمار درحالی‌که در بازه زمانی مذکور آمار اشتغال بخشی حکایت از کاهش میزان اشتغال در بسیاری از بخش‌ها ازجمله بخش صنایع وابسته به کشاورزی دارد، این آمار برای بخش کشاورزی افزایشی بوده است. می‌توان گفت این میزان کاهش نشان از آسیب‌پذیری بیشتر بخش صنایع وابسته به کشاورزی و بخش کشاورزی در مقابل سوگیری نادرست سیاست‌های دولت دارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

این نتایج نشان می‌دهد برخلاف آنکه آمارهای مربوط به اشتغال بخش کشاورزی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ حکایت از کم شدن اشتغال در بخش کشاورزی دارد و بیشترین میزان کاهش اشتغال آن نیز مربوط به بازه ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ است و رویکرد غالب بر این اساس معتقد است بخش کشاورزی در آینده نقشی در ایجاد اشتغال نخواهد داشت، اما این بخش همچنان بر طبق داده‌های ماتریس حسابداری اجتماعی دارای بالاترین توان اشتغال‌زایی در ساختار اقتصاد است و به همین سبب مستلزم افزایش توجه و استفاده از پتانسیل‌های نهفته در این بخش است و آن‌چنان‌که گفته شد این کاهش اشتغال و پیامدهای آن خود نتیجه کاهش توجه و سهل‌انگاری نسبت به توسعه و گسترش فعالیت‌های آن بوده است. بر اساس این نتایج اگرچه توان اشتغال‌زایی بخش کشاورزی همانند سایر بخش‌ها در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ تحت مناسبات خاص که به‌تفصیل نقل شد، علی‌الخصوص غفلت از پتانسیل‌های مناطق روستایی و تقدم توسعه شهری بر توسعه روستایی کاهش‌یافته اما سهم این بخش در ایجاد اشتغال به‌طور متوسط با توجه به گستردگی فعالیت‌های زیرمجموعه آن و پتانسیل‌های موجود در کشور به ویژه در مناطق روستایی و علی‌رغم به‌کارگیری سیاست‌های نادرست در قبال این بخش، نسبت به سایر بخش‌های بیشترین افزایش را داشته است.

۳-۴) تحلیل نتایج توزیع درآمد نهادی

معمولاً روش مناسب ارزیابی برای توزیع درآمد (یا نابرابری) در جامعه، مقایسه میان خانوارها است تا مقایسه میان افراد. هرچه سهم طبقات با درآمد بالا از درآمد ملی، کمتر باشد و سهم طبقات با درآمد پایین، بیشتر باشد، توزیع درآمد متعادل‌تر در نظر گرفته می‌شود (هایامی،۱۳۸۶:۵۴). در مراحل اولیه توسعه، طبق مبانی نظری علم اقتصاد، اجرای سیاست‌های اقتصادی موجب نابرابری توزیع درآمد می‌گردد. ارزیابی میزان تأثیرگذاری این سیاست‌ها بر توزیع درآمد در مدل‌های تعادل جزئی تصویر کاملی را از نتایج آن ارائه نمی‌دهد. زیرا در این مدل‌ها تنها آثار مستقیم سیاست قابل‌بررسی است و آثار غیرمستقیم نادیده گرفته می‌شود. ازاین‌رو بررسی این سیاست‌ها در مدل‌های کلان‌نگر که تمامیت اقتصادی را دربر می‌گیرند، موجب افزایش دقت نتایج می‌شود. بررسی چگونگی توزیع درآمد نهادی در ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۵ حاکی از آن است در سال ۱۳۸۵ بیشترین تأثیر در افزایش درآمد خانوارهای شهری و روستایی ناشی از افزایش تقاضای نهایی بخش عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها بوده است و بخش کشاورزی با ضریب توزیع درآمد شهری ۱/۰۳۶ و ضریب توزیع درآمد روستایی ۰/۲۶ در رتبه دوم قرار داشته است. بخش‌های هتل، خوابگاه و رستوران، آموزش ، امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تأمین اجتماعی اجباری و صنایع وابسته به کشاورزی در رتبه‌های

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

سوم تا ششم از منظر تأثیرگذاری بر درآمد خانوارهای شهری و روستایی قرار دارند. نتایج محاسبه ضریب توزیع درآمد خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۸۵ در جدول سه نشان داده‌شده است.

جدول شماره (۳): نسبت توزیع درآمد از بخش‌های اقتصادی در سال ۱۳۸۵

بخش	شهری	روستایی	کل
کشاورزی	۱.۰۳۶۶۹۶	۰.۲۵۰۵۶۶	۱.۲۸۷۲۶۲
استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۰.۳۴۱۷۰۹	۰.۰۸۲۶۴	۰.۴۲۴۳۴۹
سایر معادن	۰.۵۲۱۷۳۱	۰.۱۲۶۱۳۴	۰.۶۴۷۸۶۵
صنایع وابسته به کشاورزی	۰.۸۳۳۵۳	۰.۲۰۱۴۶۴	۱.۰۳۴۹۹۴
کاغذ و چاپ	۰.۳۹۱۶۴۸	۰.۰۹۴۶۶۷	۰.۴۸۶۳۱۶
کک، فراورده های نفتی، سوخت هسته ای، مواد و محصولات شیمیایی	۰.۳۱۳۱۹۴	۰.۰۷۵۷۱۷	۰.۳۸۸۹۱۲
ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۰.۵۰۵۵۳	۰.۱۲۲۲۰۱	۰.۶۲۷۷۳۱
کانی های غیرفلزی	۰.۶۲۸۶۷۱	۰.۱۵۱۹۶۷	۰.۷۸۰۶۳۸
فلزات اساسی	۰.۴۶۴۹۰۳	۰.۱۱۲۳۸	۰.۵۷۷۲۸۳
ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۰.۵۲۶۴۰۳	۰.۱۲۷۲۵۲	۰.۶۵۳۶۵۴
ساخت ماشین آلات و تجهیزات	۰.۲۴۳۵۵۸	۰.۰۵۸۸۷۷	۰.۳۰۲۴۳۵
ساخت ماشین آلات دفتری ، حسابداری و محاسباتی	۰.۰۷۲۶۲۴	۰.۰۱۷۵۵۵	۰.۰۹۰۱۷۹
ساخت ماشین آلات و دستگاه‌های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر	۰.۳۸۹۶۴۶	۰.۰۹۴۱۸۷	۰.۴۸۳۸۳۳
ساخت رادیو ، تلویزیون و دستگاه ها و وسایل ارتباطی	۰.۱۷۵۷۵۴	۰.۰۴۲۴۸۲	۰.۲۱۸۲۳۶
ساخت ایزار پزشکی، اپتیکی و ابزار دقیق ، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۰.۱۸۴۱۵۹	۰.۰۴۴۵۱۳	۰.۲۲۸۶۷۳
وسایل نقلیه موتوری،تریلرها و نیم‌تریلرها،بدنه،قطعات و لوازم الحاقی آن	۰.۵۰۵۶۱۶	۰.۱۲۲۲۲۱	۰.۶۲۷۸۳۷
سایر صنایع(مبلمان-مصنوعات گرانبها و بازیافت)	۰.۵۵۵۷۷۹	۰.۱۳۴۳۴۷	۰.۶۹۰۱۲۶
آب و برق و گاز طبیعی	۰.۶۱۴۵۷۵	۰.۱۴۸۵۷۵	۰.۷۶۳۱۵
ساختمان	۰.۶۶۹۸۶۴	۰.۱۶۱۹۲۵	۰.۸۳۱۷۸۹
عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	۱.۱۴۶۷۲۴	۰.۲۷۷۱۵۵	۱.۴۲۳۸۸
هتل، خوابگاه و رستوران	۰.۹۹۳۰۶۶	۰.۲۴۰۰۲۵	۱.۲۳۳۰۹۲
حمل و نقل	۰.۶۵۹۳۲۲	۰.۱۵۹۳۶۳	۰.۸۱۸۶۸۵
پست و مخابرات	۰.۵۹۳۹۴	۰.۱۴۳۵۸۳	۰.۷۳۷۵۲۳
واسطه گری‌های مالی	۰.۶۹۶۵۸۲	۰.۱۶۸۳۸۸	۰.۸۶۴۹۶۹
خدمات مستغلات	۰.۵۱۲۲۱۶	۰.۱۲۳۸۴۶	۰.۶۳۶۰۶۲
امور عمومی، شهری، دفاعی، انظامی وتامین اجتماعی اجباری	۰.۹۳۰۹۰۴	۰.۲۲۵	۱.۱۵۵۹۰۵
آموزش	۰.۹۴۰۹۶۶	۰.۲۲۷۴۳۶	۱.۱۶۸۴۰۲
بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی	۰.۷۶۷۴۲۲	۰.۱۸۵۵۰۵	۰.۹۵۲۹۲۷
خدمات	۰.۶۷۴۵۴۶	۰.۱۶۳۰۴۲	۰.۸۳۷۵۸۸

منبع: محاسبات تحقیق بر اساس ماتریس حسابداری اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

نتایج مربوط به تأثیر افزایش یک‌میلیون ریالی در تقاضای نهایی بخش‌های مختلف بر توزیع درآمد حاکی از آن است ۶ بخش عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها، کشاورزی، هتل،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

خوابگاه و رستوران، آموزش، امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تأمین اجتماعی اجباری و صنایع وابسته به کشاورزی ضریب فزاینده درآمد بالاتری نسبت به سایر بخش‌ها دارد. براساس داده‌های سال ۱۳۸۵ مشاهده می‌شود در ازای یک‌میلیون ریال افزایش تقاضای نهایی در بخش عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها معادل ۱/۴۲ میلیون ریال درآمد خانوارهای شهری و روستایی افزایش می‌یابد. از این میزان افزایش سهم خانوارهای شهری ۸۰ درصد و سهم خانوارهای روستایی ۲۰ درصد است. بخش‌های کشاورزی نیز در صورت افزایش یک‌میلیون ریالی تقاضای نهایی در این بخش سبب افزایش ۱/۲۹ میلیون ریالی درآمد خانوارهای شهری و روستایی در اقتصاد ایران شده است. از سوی دیگر، مقایسه نسبت شکاف درآمدی ناشی از بسط و گسترش بخش‌های مختلف نشان می‌دهد با توجه به یکسان بودن نسبت سهم خانوارهای شهری و روستایی از توزیع درآمد بخش‌های مختلف اقتصادی شکاف درآمدی ایجادشده نیز یکسان بوده و گسترش فعالیت‌های بخش‌های مختلف تأثیر یکسانی بر شکاف درآمدی خانوارهای شهری و روستایی داشته است.

جدول چهار نیز نتایج تجزیه ضریب فزاینده درآمد نهادی را برای گروه‌های مختلف درآمدی نشان می‌دهد که طبق آن، بیشترین اثر القایی را در افزایش درآمد خانوارهای شهری و روستایی به ترتیب بخش‌های وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آن، صنایع وابسته به کشاورزی و ساخت محصولات فلزی فابریکی به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات داشته است. همچنین، بخش‌های خدمات مستغلات، آب و برق و گاز طبیعی و عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها بیشترین اثر مستقیم و بخش‌های عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها، کشاورزی و هتل، خوابگاه و رستوران بیشترین اثر غیرمستقیم در افزایش درآمد خانوارها در سال ۱۳۸۵ داشته است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول شماره (۴): تجزیه ضرایب فزاینده درآمد نهادی سال ۱۳۸۵

عنوان بخش	اثرات القایی	اثرات مستقیم	اثرات غیر مستقیم
کشاورزی	۰.۵۷۰۶۰۵	۱.۸۰۳۴۲۶	۳.۳۰۷۵۰۲
استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۰.۰۳۱۳۹	۱.۸۱۹۳۵۶	۱.۰۸۹۸۰۵
سایر معادن	۰.۳۸۷۸۰۱	۱.۷۲۶۲۱۷	۱.۶۶۴۲۸۹
صنایع وابسته به کشاورزی	۰.۹۹۰۶۹۴	۱.۵۳۷۱۲۳	۲.۶۵۹۲۹
کاغذ و چاپ	۰.۵۳۱۹۴۷	۰.۸۷۵۸۳۷	۱.۲۴۹۴۶۸
کک، فراورده های نفتی، سوخت هسته ای، مواد و محصولات شیمیایی	۰.۵۷۱۶۶۵	۱.۰۲۵۶۴۱	۰.۹۹۹۰۷۱
ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۰.۸۸۹۱۴۹	۱.۲۹۳۷۵	۱.۶۱۲۷۲۹
کانی های غیرفلزی	۰.۶۷۹۲۳۶	۱.۵۸۷۶	۲.۰۰۵۵۷۶
فلزات اساسی	۰.۷۶۶۴۳۹	۱.۱۸۳۰۸	۱.۴۸۳۱۲۳
ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۰.۹۶۴۴۶۳	۱.۴۶۸۰۸۳	۱.۶۷۹۲۷۶
ساخت ماشین آلات و تجهیزات	۰.۴۶۲۴۳۴	۰.۶۷۴۵۹۸	۰.۷۷۶۹۷۵
ساخت ماشین آلات دفتری ، حسابداری و محاسباتی	۰.۰۶۹۸۹۳	۰.۱۷۶۸۹۵	۰.۲۳۱۶۸۶
ساخت ماشین آلات و دستگاه‌های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر	۰.۷۲۳۹۵	۰.۹۵۶۸۲۶	۱.۲۴۳۰۵
ساخت رادیو ، تلویزیون و دستگاه ها و وسایل ارتباطی	۰.۲۷۳۶۴۹	۰.۳۸۸۶۲۹	۰.۵۶۰۷۰۵
ساخت ایزار پزشکی، اپتیکی و ابزار دقیق ، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۰.۲۲۲۱۷۵	۰.۳۹۸۱۰۷	۰.۵۸۷۵۲۳
وسایل نقلیه موتوری،تریلرها و نیم‌تریلرها،بدنه،قطعات و لوازم الحاقی آن	۱.۰۶۹۵۶۱	۱.۲۶۹۳۵۷	۱.۶۱۳۰۱
سایر صنایع(مبلمان-مصنوعات گرانبها و بازیافت)	۰.۸۷۴۶۴۴	۱.۴۰۹۷۱۵	۱.۷۷۳۰۳۲
آب و برق و گاز طبیعی	۰.۴۵۲۳۲۸	۱.۹۴۰۵۳	۱.۹۶۰۴۸۵
ساختمان	۰.۹۲۰۳۰۱	۱.۷۱۱۱۵۷	۲.۱۳۶۹۸۵
عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	۰.۲۹۳۷۷۴	۱.۹۰۹۸۸۵	۳.۶۵۸۵۶۷
هتل، خوابگاه و رستوران	۰.۷۳۳۸۱	۱.۸۶۰۱۶۵	۳.۱۶۸۲۶۶
حمل و نقل	۰.۳۳۲۷۲۲	۱.۳۳۰۳۱۲	۲.۱۰۳۴۶۲
پست و مخابرات	۰.۵۳۳۹۳۶	۱.۷۷۷۷۴۴	۱.۸۹۴۶۹۱
واسطه گریهای مالی	۰.۲۳۹۶۶۹	۱.۸۸۹۶۲۸	۲.۲۲۲۱۸۷
خدمات مستغلات	۰.۲۰۷۱۱۱	۱.۹۸۳۶۷۵	۱.۶۳۳۸۳۸
امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی وتامین اجتماعی اجباری	۰.۳۴۸۰۴۷	۱.۷۷۹۴۵۷	۲.۹۶۹۹۵
آموزش	۰.۱۶۶۷۸۸	۱.۹۰۳۱۵	۳.۰۰۲۰۱۶
بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی	۰.۲۸۴۲۱۵	۱.۸۸۶۹۹۴	۲.۴۴۸۲۳۸
خدمات	۰.۲۶۱۶۴۴	۱.۳۵۵۲۰۱	۲.۱۵۲۰۳۹

منبع : محاسبات تحقیق، ۱۳۹۵.

جدول پنج نیز نتایج محاسبه ضریب فزاینده درآمد خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۹۰ را نشان می‌دهد که حاکی از تغییر قابل‌توجه جایگاه بخش‌های تأثیرگذار بر درآمد خانوارها بوده است؛ به‌گونه‌ای که سهم بخش‌های حوزه خدمات بر درآمد خانوارها افزایش چشم‌گیری داشته و تنها بخش تولیدی در این میان بخش کشاورزی است که همچنان در رتبه دوم قرار دارد. در این سال بخش‌های آموزش با ضریب فزاینده درآمد ۱/۲۲، کشاورزی با ضریب فزاینده درآمد ۱/۱۵، عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها با ضریب

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

فزاینده درآمد ۱/۱۳، بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی با ضریب فزاینده درآمد ۱/۰۲ به ترتیب بیشترین سهم را در افزایش درآمد خانوارها در اقتصاد ایران داشته است. سهم خانوارهای شهری و روستایی از این افزایش درآمد به‌طور متوسط همچنان معادل ۸۰ به ۲۰ بوده است. نکته قابل‌توجه نقش بخش کشاورزی در کاهش شکاف درآمدی بین خانوارهای روستایی و شهری است. به‌طوری‌که افزایش تقاضای نهایی در این بخش و درنتیجه تأثیری که بر توزیع درآمد نهادی دارد، بیشترین نقش را بر کاهش شکاف درآمدی دارد.

جدول شماره (۵): نتایج توزیع درآمد سال ۱۳۹۰

بخش	شهری	روستایی	کل
کشاورزی	۰.۹۱۳۵۲	۰.۲۳۷۰۱۸	۱.۱۵۰۵۳۸
استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۰.۳۳۹۱۷	۰.۰۷۶۹۶۷	۰.۴۱۶۱۳۷
سایر معادن	۰.۵۲۶۴۵۸	۰.۱۲۵۶۹۱	۰.۶۵۲۱۴۹
صنایع وابسته به کشاورزی	۰.۵۵۲۱۶۴	۰.۱۴۰۶۱۱	۰.۶۹۲۷۷۵
کاغذ و چاپ	۰.۲۹۱۴۰۱	۰.۰۷۱۴۶۲	۰.۳۶۲۸۶۳
کک، فراورده های نفتی، سوخت هسته ای، مواد و محصولات شیمیایی	۰.۳۹۲۸۴۴	۰.۰۹۴۱۰۹	۰.۴۸۶۹۵۳
ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۰.۴۱۰۴۵۳	۰.۱۰۰۴۹۹	۰.۵۱۰۹۵۲
کانی های غیرفلزی	۰.۵۷۱۵۲۶	۰.۱۳۹۳۴۸	۰.۷۱۰۸۷۴
فلزات اساسی	۰.۳۷۹۹۵۲	۰.۰۹۲۶۹	۰.۴۷۲۶۴۱
ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۰.۵۶۹۶۹۱	۰.۱۴۱۶۴۳	۰.۷۱۱۳۳۴
ساخت ماشین آلات و تجهیزات	۰.۱۸۳۶۰۸	۰.۰۴۵۲۱	۰.۲۲۸۸۱۹
ساخت ماشین آلات دفتری ، حسابداری و محاسباتی	۰.۰۸۰۰۸۷	۰.۰۱۹۶۵۴	۰.۰۹۹۷۴۱
ساخت ماشین آلات و دستگاه‌های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر	۰.۳۷۰۸۱۷	۰.۰۹۱۲۸۲	۰.۴۶۲۰۹۹
ساخت رادیو ، تلویزیون و دستگاه ها و وسایل ارتباطی	۰.۰۳۸۴۵۴	۰.۰۰۹۴۱۲	۰.۰۴۷۸۶۶
ساخت ایزار پزشکی، اپتیکی و ابزار دقیق ، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۰.۱۶۵۶۴۵	۰.۰۴۰۹۵۷	۰.۲۰۶۶۰۲
وسایل نقلیه موتوری،تریلرها و نیم‌تریلرها،بدنه،قطعات و لوازم الحاقی آن	۰.۳۵۵۸۳۱	۰.۰۸۷۴۲۳	۰.۴۴۳۲۵۴
سایر صنایع(مبلمان-مصنوعات گرانبها و بازیافت)	۰.۵۲۱۹۳۶	۰.۱۳۰۸۲۸	۰.۶۵۲۷۶۴
آب و برق و گاز طبیعی	۰.۵۹۰۳۴۵	۰.۱۳۹۱۴۱	۰.۷۲۹۴۸۷
ساختمان	۰.۶۴۳۷۸۸	۰.۱۵۶۷۹۷	۰.۸۰۰۵۸۴
عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	۰.۸۹۹۳۴۹	۰.۲۲۹۹۸	۱.۱۲۹۳۲۹
هتل، خوابگاه و رستوران	۰.۵۲۸۱۵۷	۰.۱۳۲۰۹۱	۰.۶۶۰۲۴۸
حمل و نقل	۰.۷۴۸۹۱۷	۰.۱۸۹۴۷۳	۰.۹۳۸۳۹
پست و مخابرات	۰.۶۵۲۸۹۴	۰.۱۵۷۵۶۶	۰.۸۱۰۴۶
واسطه گری‌های مالی	۰.۷۵۱۴۶۳	۰.۱۷۹۹۳۷	۰.۹۳۱۴
خدمات مستغلات	۰.۵۲۱۱۰۵	۰.۱۲۷۴۵۴	۰.۶۴۸۵۵۹
امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی وتامین اجتماعی اجباری	۰.۷۸۶۷۳	۰.۱۸۸۰۷۹	۰.۹۷۴۸۰۸
آموزش	۰.۹۸۲۹۹۳	۰.۲۳۵۷۹۶	۱.۲۱۸۷۸۹
بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی	۰.۸۱۹۱۱	۰.۱۹۷۹۲۹	۱.۰۱۷۰۳۸
خدمات	۰.۶۷۳۶۰۳	۰.۱۶۵۱۱	۰.۸۳۸۷۱۳

منبع : محاسبات تحقیق، ۱۳۹۵.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

ضرایب فزاینده درآمد سال ۱۳۹۰در جدول شش حاکی است که بیشترین اثر القایی در افزایش درآمد خانوارها ناشی از بسط و گسترش بخش‌های ساختمان، وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آن، ساخت محصولات فلزی فابریکی به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات و صنایع وابسته به کشاورزی است. بخش‌های آب و برق و گاز طبیعی، استخراج نفت خام و گاز طبیعی، خدمات مستغلات و عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها بیشترین اثر مستقیم و بخش‌های آموزش، کشاورزی، عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها و بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی نیز بیشترین اثر غیرمستقیم را بر افزایش درآمد خانوارها در سال ۱۳۹۰ داشته است.

جدول شماره (۶): تجزیه ضرایب فزاینده درآمد سال ۱۳۹۰

بخش	اثرات القایی	اثرات مستقیم	اثرات غیر مستقیم
کشاورزی	۰.۶۱۴۸۱	۱.۶۸۷۷۲۹	۲.۷۶۳۰۵۱
استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۰.۰۵۳۲۶۵	۱.۹۳۷۶۲۷	۱.۰۰۴۴۵۲
سایر معادن	۰.۳۷۰۴۴۳	۱.۷۷۷۰۶۱	۱.۵۶۲۰۳۱
صنایع وابسته به کشاورزی	۰.۸۱۶۴۷۸	۱.۱۵۱۴۵۱	۱.۶۶۱۵۲
کاغذ و چاپ	۰.۴۵۹۵۳۸	۰.۷۰۹۶۱۳	۰.۸۶۷۳۵۱
کک، فراورده های نفتی، سوخت هسته ای، مواد و محصولات شیمیایی	۰.۷۷۵۷۷۶	۱.۴۲۰۴۲۵	۱.۱۶۸۶۷۲
ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۰.۷۹۶۲۷۳	۱.۱۴۶۹۴۳	۱.۲۲۳۷۹۵
کانی های غیرفلزی	۰.۷۰۶۹۴	۱.۶۰۳۴۶۸	۱.۷۰۱۷۱۸
فلزات اساسی	۰.۷۶۶۹۵	۱.۱۰۳۲۸	۱.۱۳۲۲۱۱
ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۰.۸۸۰۱۳۱	۱.۳۳۳۶۵۷	۱.۷۰۲۷۱۶
ساخت ماشین آلات و تجهیزات	۰.۳۳۸۲۵۶	۰.۴۷۷۸۵۲	۰.۵۴۷۸۴۱
ساخت ماشین آلات دفتری ، حسابداری و محاسباتی	۰.۱۲۳۶۸۹	۰.۱۹۴۸۴۱	۰.۲۳۸۴۳۱
ساخت ماشین آلات و دستگاه‌های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر	۰.۶۷۶۴۱۸	۰.۹۷۱۹۹۳	۱.۱۰۶۴۴۸
ساخت رادیو ، تلویزیون و دستگاه ها و وسایل ارتباطی	۰.۰۶۵۵۷۵	۰.۱۰۴۳۳۳	۰.۱۱۴۵۸۲
ساخت ایزار پزشکی، اپتیکی و ابزار دقیق ، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۰.۲۷۰۶۶۶	۰.۴۱۵۰۴۱	۰.۴۹۴۶۵
وسایل نقلیه موتوری،تریلرها و نیم‌تریلرها،بدنه،قطعات و لوازم الحاقی آن	۰.۸۹۱۷۳۳	۰.۹۳۴۱۱۷	۱.۰۶۱۰۵۲
سایر صنایع(مبلمان-مصنوعات گرانبها و بازیافت)	۰.۷۷۶۰۶۶	۱.۲۶۱۷۰۹	۱.۵۶۵۱۲۵
آب و برق و گاز طبیعی	۰.۱۴۷۱۳۴	۱.۹۴۵۱۳۸	۱.۷۴۳۲۱۱
ساختمان	۰.۹۶۲۱۰۷	۱.۶۸۶۹۲۱	۱.۹۱۳۹۴۶
عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	۰.۳۳۶۱۴۸	۱.۹۰۰۱۸	۲.۷۱۰۶۷۱
هتل، خوابگاه و رستوران	۰.۴۹۷۰۹۱	۱.۲۹۱۴۳۲	۱.۵۸۲۸۲۱
حمل و نقل	۰.۴۷۶۸۷۲	۱.۶۵۷۳۰۴	۲.۲۵۰۱۸۸
پست و مخابرات	۰.۵۷۵۹۰۸	۱.۸۴۳۰۵۹	۱.۹۳۷۴۶۴
واسطه گریهای مالی	۰.۳۴۷۴۸۳	۱.۸۲۵۷۷۱	۲.۲۱۸۵۷۳
خدمات مستغلات	۰.۲۱۲۳۷۹	۱.۹۲۰۵	۱.۵۶۱۷۹۲
امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی وتامین اجتماعی اجباری	۰.۳۵۴۱۰۹	۱.۸۰۴۶۹۱	۲.۳۱۹۴۴۳
آموزش	۰.۲۰۶۸۴۲	۱.۸۵۷۳۹۵	۲.۸۹۳۹۷۵
بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی	۰.۲۵۸۴۰۴	۱.۸۸۱۵۸۶	۲.۴۲۳۷۱۸
خدمات	۰.۳۳۰۳۲۶	۱.۶۷۴۶۹۳	۲.۰۰۵۲۷

منبع : محاسبات تحقیق، ۱۳۹۵.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۵) نتیجه‌گیری

گروهی از محققان توسعه روستایی، صنعتی شدن روستا را به عنوان سنگ‌بنای راهبرد توسعه آینده مورد بحث قرار می‌دهند و معتقدند که صنعتی شدن و طرح‌ریزی مطلوب صنایع در مناطق روستایی به عنوان یک جریان در جهت ایجاد توسعه پایدار و به عنوان آخرین راه‌حل مشکل فقر مناطق روستایی، بیکاری و عاملی تسکین‌دهنده برای مناطق محروم روستایی محسوب می‌شود (شفیعی و همکاران،۱۳۸۹: ۶۲ ؛ وصال و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۲). در این بین همان‌گونه که اشاره شد، جایگاه بخش کشاورزی به‌عنوان موتور محرک رشد و توسعه اقتصادی ازجمله موضوعاتی است که همواره موردبحث و اظهارنظر کارشناسان بوده است. شواهد موجود نشان می‌دهد درحال‌حاضر، سه دیدگاه مختلف درباره‌ی کارکردهای بخش کشاورزی در اقتصاد ایران وجود دارد. که در این مقاله سعی شد با توجه به پشتوانه علمی هریک از دیدگاه‌های فوق که به نتایج متفاوت انجامیده، در این مطالعه سعی شد به‌منظور رفع ابهام در این زمینه با استفاده از داده‌های ماتریس حسابداری اجتماعی به‌عنوان یک سیستم اطلاعاتی و آماری، شامل اطلاعات و آمارهای اجتماعی و اقتصادی برای اقتصاد یک کشور که قادر است تمام حساب‌های اقتصادی و تعامل بین این حساب‌ها را به تفصیلی‌ترین شکل ممکن نشان دهد، وضعیت و جایگاه بخش کشاورزی در حوزه تولید، اشتغال‌زایی و توزیع درآمد نهادی به‌عنوان متغیرهای اقتصادی و اجتماعی و سیر تحولات آن طی بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ به‌عنوان معیاری جهت رد و یا پذیرش رویکرد غالب درزمینه کارکردهای این بخش و نقش آن در توسعه کشور پرداخته شود.

نتایج حاصل از این بررسی نشان داد، در حوزه تولید بخش کشاورزی و نیز بخش صنایع وابسته به کشاورزی در بازه زمانی موردبررسی نه‌تنها از ضریب فزاینده تولید بالاتری نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی برخوردار بوده بلکه جایگاه باثبات‌تری نیز داشته و در این بازه زمانی نوسانات کمتری از منظر تغییر توان تولیدی علی‌رغم نامساعد بودن سایر شرایط همچون سیاست‌گذاری و یا تغییرات اقلیمی داشته است.

در حوزه اشتغال‌زایی، بخش‌های اقتصادی به‌عنوان متغیری که دارای ابعاد اجتماعی گسترده در کشور بوده، حاکی از آن است که بخش کشاورزی سال ۱۳۸۵ در رتبه اول ازنظر توان اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم قرار داشته و در سال ۱۳۹۰ نیز علی‌رغم کاهش شدید توان اشتغال‌زایی در بین بخش‌های مختلف موردبررسی همچنان در رتبه اول بوده و بخش‌های آموزش و امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تأمین اجتماعی اجباری نیز با ۷ نفر-شغل مستقیم و غیرمستقیم در رتبه دوم قرار داشته است. بخش‌های صنایع وابسته به کشاورزی، ساختمان، ساخت محصولات فلزی فابریکی به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات و حمل‌ونقل نیز به‌صورت مشترک در رتبه سوم بوده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

از عمده‌ترین دلایل کاهش شدید توان اشتغال‌زایی بخش‌های اقتصادی شاید بتوان به عملکرد ضعیف در اجرای طرح بنگاه‌های زودبازده، اجرای ناقص قانون هدفمندی یارانه‌ها و نیز کژکارکردی‌های نهادی در عدم مقابله با فرآیند تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی اشاره کرد. در حوزه توزیع درآمد نیز در سال ۱۳۸۵ بیشترین تأثیر در افزایش درآمد خانوارهای شهری و روستایی ناشی از افزایش تقاضای نهایی بخش عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها بوده و بخش کشاورزی با ضریب توزیع درآمد شهری ۱/۰۳۶ و ضریب توزیع درآمد روستایی ۰/۲۶ در رتبه دوم قرار داشته است. بخش‌های هتل، خوابگاه و رستوران، آموزش، امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تأمین اجتماعی اجباری و صنایع وابسته به کشاورزی در رتبه‌های سوم تا ششم از منظر تأثیرگذاری بر درآمد خانوارهای شهری و روستایی بوده است. برای سال ۱۳۹۰ نیز، بخش‌های آموزش با ضریب فزاینده درآمد ۱/۲۲،کشاورزی با ضریب فزاینده درآمد ۱/۱۵، عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها با ضریب فزاینده درآمد ۱/۱۳، بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی با ضریب فزاینده درآمد ۱/۰۲ به ترتیب بیشترین سهم را در افزایش درآمد خانوارها در اقتصاد ایران داشته است. سهم خانوارهای شهری و روستایی از این افزایش درآمد به‌طور متوسط همچنان معادل ۸۰ به ۲۰ است. اما نکته قابل‌توجه نقش بخش کشاورزی در کاهش شکاف درآمدی بین خانوارهای روستایی و شهری است. به‌طوری‌که افزایش تقاضای نهایی در این بخش و درنتیجه تأثیری که بر توزیع درآمد نهادی دارد، بیشترین نقش را بر کاهش شکاف درآمدی داشته است.

از مجموع مشاهدات فوق آشکار است که سیاست توسعه و گسترش بخش کشاورزی از منظر تولید، اشتغال‌زایی و توزیع درآمد به خصوص در مناطق روستایی در روند توسعه کشور نقش بسیار مهمی ایفا می‌نماید. فعالیت‌های بخش کشاورزی به سبب ماهیت کاربردی و نقشی که در کاهش شکاف درآمدی و توزیع عادلانه‌تر درآمد نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی دارند، نه‌تنها می‌تواند به افزایش امنیت ملی به سبب کاهش وابستگی به واردات مواد غذائی و نیز جلوگیری از خروج ارز کمک کند بلکه از منظر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی همچون افزایش اشتغال و کاهش فقر نیز نسبت به سایر بخش‌ها قابلیت و کارایی بیشتری داشته و باید مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرند. به‌عبارت‌دیگر، در بین بخش‌های مهم اقتصادی موردبررسی در ساختار اقتصادی ایران از منظر توان اشتغال‌زایی در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ برخلاف رویکرد موجود نسبت به بخش کشاورزی نه‌تنها بخش مذکور بالاترین توان اشتغال‌زایی را به خود اختصاص داده است بلکه در این بازه زمانی سهم این بخش به‌طور متوسط در ایجاد اشتغال در کشور افزایش داشته است. ازنظر توزیع درآمد نیز شکاف درآمدی ایجادشده ناشی از باز توزیع درآمد بین نهادها درنتیجه افزایش اقلام برون‌زای بخش مذکور نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی کمترین میزان است. از همین رو می‌توان گفت با توجه به یافته‌های مذکور بخش کشاورزی بیشترین تأثیر را در حفظ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

تعادل اجتماعی – اقتصادی در ساختار اقتصاد ایران دارد. بر این اساس مشخص می‌شود رویکرد مبنی بر عدم توانایی بخش کشاورزی در حل مشکلات جامعه بر پایه اطلاعات دقیق و کامل از این بخش‌بر جامعه حاکم نگشته و با منطق علمی قابل رد است. چراکه این نتایج در شرایطی به‌دست‌آمده که سال‌هاست سایه سنگین بی‌مهری و عدم توجه به جامعه کشاورزی بر جامعه گسترده شده و در شرایط کنونی نیز با توجه به جدی شدن نگرانی‌ها نسبت به بحران آب این بی‌توجهی با غفلت از آثار و تبعات آن در حال افزایش است. دراین‌باره گفته می‌شود بخش کشاورزی به‌عنوان بزرگ‌ترین بخش مصرف‌کننده آب که کمترین میزان بهره‌وری را دارد، باید تعطیل شود. حال‌آنکه همان‌گونه که ذکر شد در درجه اول مبنای محاسبه میزان بهره‌وری و میزان استفاده این بخش دارای اشکالات تئوریک است و در درجه بعد غفلت از این بخش مبنایی است جهت کاهش امنیت غذایی و به‌تبع آن کاهش امنیت ملی.

از بعد اجتماعی نیز توسعه بخش کشاورزی در بستر توسعه روستایی از طریق ارتقاء سطح درآمد و زندگی روستائیان و کشاورزان و رفع فقر، با تقویت زیرساخت‌های مناسب تولید و تنوع‌بخشی و گسترش فعالیت‌های مکمل به‌ویژه صنایع تبدیلی و کوچک و خدمات نوین ضمن آنکه امکان بهره‌برداری بهینه از منابع آب‌وخاک و منابع انسانی مستقر در مناطق روستایی را فراهم می‌آورد، در ایجاد ساختار اقتصادی مناسب و روند مطلوب توسعه ملی کشور نیز تأثیرات غیرقابل‌انکاری خواهد داشت به‌گونه‌ای که امکان فراهم‌سازی آمایش مطلوب سرزمین را نیز در پی دارد (ارزیابی استراتژی‌های بخش کشاورزی،۱۳۸۹: ۱۵). آمایش سرزمین نیز خود مبتنی بر ملاحظات امنیتی و دفاعی، کارایی و بازدهی اقتصادی، وحدت و یکپارچه‌سازی سرزمین، گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای، حفاظت محیط‌زیست و احیای منابع طبیعی و رفع محرومیت‌ها به‌ویژه در مناطق روستایی است. در نهایت می‌توان چند نکته اساسی به ترتیب زیر خاطرنشان ساخت:

- نظر به اهمیت بخش کشاورزی و تأثیر آن بر روند توسعه افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش، می‌تواند نقش قابل‌توجهی بر رفع موانع اصلی توسعه داشته باشد.
- پیش‌شرط اساسی برای افزایش سرمایه‌گذاری تهیه برنامه جامع برای توسعه بخش کشاورزی و تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری است.
- ساختار معیشتی و شیوه کشت سنتی محصولات تأثیر زیادی بر کاهش بهره‌وری و بازدهی این بخش دارد. استفاده از شیوه‌های جدید کشت مبتنی بر علم و مکانیزه کردن مزارع جهت رفع این مشکل راهکاری اساسی محسوب می‌شود.
- علم محور کردن کشاورزی خود درگرو استفاده از ظرفیت‌های دانشگاهی است.
- توجه به بحران‌های محیط‌زیستی و تلاش در جهت کاهش آلودگی‌های شهری و روستایی، مستلزم توجه هر چه بیشتر و علمی‌تر به بخش کشاورزی است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- کاهش جرائم اجتماعی و کم کردن حاشیه‌نشینی شهری درگرو کمک به بخش کشاورزی و افزایش بازدهی این بخش و کاهش شکاف درآمدی در بین طبقات مختلف اجتماعی است.
- کاهش شکاف درآمدی از طریق عادلانه‌تر کردن توزیع درآمد و افزایش فعالیت بخش‌هایی که کمترین میزان شکاف درآمدی را ایجاد می‌نمایند توجه به ظرفیت بخش کشاورزی در ایجاد توازن درآمدی بسیار کمک‌کننده است.

۶) منابع

- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری، (۱۳۸۳)، **توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران**، نشر نی، تهران، ص ۱۹.
- امینی، سماء، بیژن رحمانی و بتول مجیدی خامنه، (۱۳۹۶)، **پیامدهای اقتصادی تغییرات اراضی روستاهای پیراشهری مورد: روستاهای دهستان جی در شهرستان اصفهان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال۶،شماره ۲، پیاپی ۲۰، ۴۰-۱۷.
- بانویی، علی‌اصغر و مینا محمودی، (۱۳۸۲)، **کاربرد الگوی ترکیبی داده - ستانده با جمعیت فعال به‌منظور برآورد توان اشتغال‌زایی بخش‌های اقتصادی**، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، شماره ۷۹، صص ۳۸-۳.
- بانویی، علی‌اصغر، (۱۳۸۴)، **بررسی رابطه بین توزیع درآمد و افزایش تولید در اقتصاد ایران با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی**، پژوهش‌های اقتصادی ایران ، سال ۷، شماره ۲۳، صص ۱۱۷ – ۹۵.
- بانویی، علی‌اصغر، رضا وفایی‌یگانه، سیدهادی موسوی‌نیک، و مریم آقانصیری، (۱۳۹۲)، **تأثیرگذاری بخش‌های اصلی اقتصاد بر توزیع درآمد خانوارها؛ با رویکرد تحلیل مسیر ساختاری**، فصلنامه علمی-پژوهشی مجلس راهبرد، دوره ۲۰، شماره ۷۴، تابستان ۱۳۹۲، صص ۹۷-۷۵.
- بانویی، علی‌اصغر، فرشاد مؤمنی و سیّد ایمان آزاد، (۱۳۹۳)، **به‌کارگیری پیوندهای نسل اول، دوم و سوم در سنجش خدمات تولیدی و خدمات توزیعی: تجربه ایران و بعضی از کشورهای منتخب**، سومین همایش کاربرد تکنیک‌های داده – ستانده در برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی ایران، ۱۲ اسفندماه ۱۳۸۸، دانشکده اقتصاد دانشگاه علّامه طباطبایی، صص ۹۴۳-۹۰۵.
- پرمه، زورار و رحیم دباغ، (۱۳۸۳)، **بررسی توزیع درآمد در ایران با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی**، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۷، صص ۱۶۸-۱۳۹.
- پروین،سهیلا ، علی‌اصغر بانویی و ساناز عباسیان نیگجه، (۱۳۹۲)، **شناسایی رشد بخش‌های اقتصادی در کاهش فقر با استفاده از رویکرد ضرایب فزاینده قیمت ثابت**، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی،شماره ۱۱، صص ۴۱ – ۲۷.
- چانگ، هاجون، (۱۳۹۳)، **بیست‌وسه گفتار درباره سرمایه‌داری؛ پیرامون نکاتی که آن‌ها بروز نمی‌دهند**، ناصر زرافشان، انتشارات مهر ویستا، چاپ دوم، صص ۱۷۰-۱۵۳.
- سادات باریکانی، سیدحامد و بهاره ایران نژاد، (۱۳۹۲)، **بررسی جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد ایران: نگاهی دوباره به نظریه محوریت بخش کشاورزی**، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۲۱، شماره ۸۱، صص ۱۵۳-۱۷۷.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- شفیعی، پروین، احمد تقدیسی، حسن بیگ محمدی و سید هدایت الله نوری، (۱۳۸۹)، **اولویت‌بندی صنایع کوچک و کار"اهی مناطق روستایی شهرستان اردستان باروش دلفی**، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۲، صص ۷۹-۶۱.
- طرح پژوهشی، (۱۳۸۹)، **ارزیابی استراتژی‌های بخش کشاورزی در برنامه‌های پنج‌ساله اول تا چهارم توسعه اقتصادی**، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۶۸).
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۱)، **پایه‌های آماری بهنگام سازی ماتریس حسابداری اجتماعی برای سال ۱۳۸۵**،دفتر مطالعات اقتصادی، صص ۴۰-۱.
- مطیعی لنگرودی،سید حسن و ابراهیم شمسایی، (۱۳۸۶)، **توسعه روستایی مبتنی بر تداوم و پایداری کشاورزی: مطالعه موردی بخش سجا سرود زنجان**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۶، صص ۱۰۴-۸۵.
- ملر، جان ویلیام، (۱۳۸۳)، **نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی: یافته‌هایی جدید از کشورهای دارای رشد سریع در بخش کشاورزی**، همایش کشاورزی و توسعه ملی، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، جلد اول،صص ۳۰-۲.
- مؤمنی، فرشاد، (۱۳۸۲)، **تحول الگوهای ذهنی،پیش‌نیاز توسعه روستایی ایران**، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی،تهران، ص ۱۵-۲۸.
- مومنی، فرشاد، (۱۳۸۳)، **توانمندی‌های بخش کشاورزی در مواجهه با بحران ملی بیکاری**، مقالات برگزیده نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی، جلد دوم، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی،صص ۶۵۳-۶۲۲.
- نظم‌فر، حسین، (۱۳۹۶)، **تحلیل سطوح توسعه روستایی و میزان برخورداری دهستان‌های استان آذربایجان غربی**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال۶، شماره ۱، پیاپی ۱۹، صص ۱۷۵-۱۵۹.
- نیلی، مسعود، (۱۳۹۳)، **امنیت غذایی، مدیریت منابع آب، محیطزیست**، نهمین کنفرانس دوسالانه اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، صص ۱۵-۱.
- هایامی، یوجیرو، (۱۳۸۶)، **اقتصاد توسعه از فقرتا ثروت ملل**، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، نشر نی.
- وصال، زینب، علیرضا خواجه شاهکوی و علی‌اکبر نجفی کانی، (۱۳۹۶)، **نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی-اجتماعی نواحی روستایی مورد:بخش مرکزی شهرستان فریمان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال۶، شماره ۱، پیاپی ۱۹، صص ۷۶-۶۱.
- Byerlee, Derek. Janvry, Alain, Sadoulet, Elisabeth , Townsend, Robert, Klytchnikova, Irina (2008), **Agriculture for Development**, World Bank Washington, DC,pp: 2.
- Kirzner, I. (1997). **Entrepreneurial discovery and the competitive market process: An Austrian approach**. Journal of Economic Literature, 35(۱), pp: 60–85.
- Kula, Mehmet (2008), **Supply - Use and Input-Output Tables, Backward and Forward Linkages of the Turkish Economy**, The 16th Inforum World Conference in Northern Cyprus.
- Pieters,Janneke (2010), **Growth and Inequality in India: An Analysis of the Generalized Social Accounting Matrix**, World Development, Vol. 38, No. 3, pp. 270–281.
- Rocchi , Benedetto, Romano, Donato, Stefani, Gianluca (2002), **Agriculture and Income Distribution: Insights from a SAM of the Italian Economy**, Paper prepared for presentation at the Xth EAAE Congress 'Exploring Diversity in the European Agri-Food System', Zaragoza (Spain), 28-31 August 2002.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- Salami. H, Sadat Barikani.H, and M. S. Noori Naeini (2012), **Can Agriculture Be Considered a Key Sector for Economic Development in an Oil Producing Country? The Case of Iran**, J. Agri. Sci. Tech Vol.14, pp: 1-10.
- Tambunan, Tulus (2005**), Economic Growth, Appropriate Policies and Poverty Reduction in a Developing Country: Some Experience from Indonesia,** South Asia Economic Journal, Sage Publications New Delhi, Thousand Oaks, London, Vol.6, pp:59-78.
- Wilkinson, J. Rocha, R. (2008), **Agro-Industry Trends, Patterns and Development Impacts**, Global Agro-industries Forum, New Delhi.pp:91-46.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]